

انتقال قرارداد

نظریه عمومی - عقود معین
(مطالعه تطبیقی)

دکتر ابراهیم شعاریان

استاد دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز



مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

تهران - ۱۳۹۳

به نام خداوند جان و خرد

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق، که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند. قانونگذار فهیم و آگاه، هیچگاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت، و هیچگاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند. دانشکده‌های حقوق که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران، و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده دارند.

کشور ایران به ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی در توسعه کمی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد. انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتابهای حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات آقای دکتر ابراهیم شعاریان در تألیف کتاب انتقال قرارداد را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورد استفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست اختصارات

ط.ج	طبع جديد
ط.ق	طبع قديم
ق.ت.	قانون تجارت (ايران)
ق.م.	قانون مدني (ايران)

Am Jur	American Jurisprudence
Art	Article
chap.	chapter
CC.	civil code
Co.	Company
C.J.S.	Corpus Juris Secundum
ed	edition
Ibid	Ibidem
IECL	International Encyclopedia of Comparative Law
J.B.L	The Journal of Business Law
op.cit.	opere citato
p.	page
PECL	The Principles of European Contract Law
Pub	Publication
s.	section
UCC	Uniform Commercial Code (United states)
UPICC	Unidroit Principles of International Commercial Contracts
v.	versus
Vol.	Volume

فهرست تفصیلی مطالب

پیشگفتار ۲۷

فصل اول - کلیات

مبحث اول - واژه‌شناسی و مفهوم انتقال قرارداد ۲۹

گفتار اول - حقوق ایران ۲۹

گفتار دوم - حقوق مقایسه ۳۵

مبحث دوم - سوابق تاریخی و قانونگذاری انتقال قرارداد ۴۵

گفتار اول - سوابق قانونگذاری در خصوص انتقال قرارداد ۴۵

گفتار دوم - حقوق اسلام ۵۲

گفتار سوم - حقوق مقایسه ۶۱

مبحث سوم - قلمرو و جایگاه انتقال قرارداد ۶۵

گفتار اول - قلمرو انتقال قرارداد ۶۵

الف) حقوق ایران ۶۶

اول - عقود لازم و جایز ۶۶

دوم - عقود معین و غیر معین ۷۳

سوم - عقود تملیکی و عهدی ۷۵

چهارم - عقود منجز و معلق ۷۶

پنجم - تقسیم‌بندی‌های دیگر عقد ۷۸

ب) حقوق مقایسه ۷۸

گفتار دوم - جایگاه انتقال قرارداد (ارتباط با اصل نسبی بودن قرارداد) ۸۳

مبحث چهارم - اقسام انتقال قرارداد	۹۱
گفتار اول - انتقال ارادی قرارداد	۹۱
گفتار دوم - انتقال تبعی قرارداد	۹۷
الف) انتقال ارادی مالکیت	۹۷
ب) انتقال تبعی عقد از طریق تملک قهری و انتقال اجرایی	۱۰۵
ج) قائم مقامی خاص موصی له	۱۰۸
د) ماهیت قرارداد انتقال یافته	۱۱۰
ه) امکان انتقال قراردادهای ناپیوسته به مال	۱۱۱
گفتار سوم - انتقال قهری قرارداد	۱۱۳
الف) قائم مقامی وارث و موصی له	۱۱۴
اول - قائم مقامی وارث	۱۱۴
دوم - قائم مقامی عام موصی له	۱۲۱
ب) قائم مقامی طلبکار و مدیر تصفیه و مقایسه آن با تراستی در کامن لا	۱۲۵
مبحث پنجم - اسباب انتقال قرارداد	۱۳۵
گفتار اول - عقد	۱۳۵
الف) عقد صلح	۱۳۵
ب) قرارداد موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی	۱۳۷
ج) بیع	۱۳۹
د) هبه	۱۳۹
ه) سایر عقود تملیکی	۱۴۰
و) عقد وکالت	۱۴۰
گفتار دوم - ایقاع	۱۴۲
الف) اخذ به شفعه	۱۴۲
ب) فسخ	۱۵۳

- گفتار سوم - اقاله ۱۵۶
- گفتار چهارم - انفساخ ۱۵۷
- گفتار پنجم - انتقال اجباری مالکیت ۱۵۸
- گفتار ششم - مرگ ۱۵۸
- مبحث ششم - مبنای فقهی و حقوقی انتقال قرارداد ۱۶۱**
- گفتار اول - مبنای فقهی ۱۶۱
- الف) انتقال ارادی عقود معین ۱۶۲
- ب) انتقال ارادی قرارداد به عنوان موضوع عقد صلح ۱۶۳
- ج) انتقال حق و انتقال دین ۱۶۵
- د) اصل اباحه ۱۶۸
- گفتار دوم - مبنای حقوقی ۱۷۰
- الف) قانون ۱۷۰
- ب) رویه قضایی ۱۷۰
- ج) عرف ۱۷۲
- د) دکترین ۱۷۳

فصل دوم - شرایط و موانع انتقال قرارداد و مقایسه آن با مفاهیم مشابه

- مبحث اول - شرایط انتقال قرارداد ۱۷۹**
- گفتار اول - شرایط عمومی انتقال قرارداد ۱۷۹
- الف) وجود قرارداد معتبر ۱۷۹
- اول - انتقال عقد غیرنافذ ۱۸۲
- دوم - عقد منحل ۱۸۶
- سوم - عدم اجرای تعهدات متقابل ۱۸۷
- ب) غیرشخصی بودن تعهدات قراردادی ۱۸۸

اول - ضابطه تشخیص	۱۹۱
۱- ضابطه قانونی	۱۹۱
۲- ضابطه نوعی	۱۹۲
۳- ضابطه شخصی	۱۹۴
دوم - تعارض ضوابط	۱۹۵
گفتار دوم- شرایط اختصاصی انتقال قرارداد	۱۹۶
الف) شرایط اختصاصی انتقال ارادی قرارداد	۱۹۷
اول - شرایط اساسی صحت معاملات	۱۹۷
۱- قصد و رضای طرفین	۱۹۷
۲- اهلیت طرفین	۱۹۸
۳- معین و معلوم بودن موضوع معامله	۱۹۸
۴- مشروعیت جهت معامله	۲۰۱
۵- سایر شرایط	۲۰۲
دوم - شرایط اختصاصی عقد صلح	۲۰۲
سوم - رضایت طرف دیگر عقد	۲۰۲
۱- دلایل لزوم رضایت طرف دیگر عقد	۲۰۳
۲- واژه‌شناسی	۲۰۴
۳- ماهیت رضایت طرف اصلی عقد و نقش او در انتقال	۲۰۷
۴- قواعد حاکم بر رضایت طرف اصلی قرارداد	۲۱۴
یک - رضایت صریح و ضمنی	۲۱۴
دو - رضایت مطلق و مقید	۲۱۶
سه - تأثیر رضایت در انتقالات مکرر	۲۱۸
چهار - رضایت به انتقال تمام یا بخشی از قرارداد	۲۲۱
پنج - رضایت به لوازم انتقال عقد	۲۲۴

- شش - رجوع از رضایت به انتقال ۲۲۵
- هفت - تحصیل اجازه انتقال از دادگاه ۲۲۶
- هشت - اثر سکوت ۲۳۰
- چهارم - عوض ۲۳۴
- پنجم - شکل انتقال ۲۳۷
- ب) شرایط اختصاصی انتقال تبعی قرارداد ۲۳۹
- اول - انتقال مالکیت ۲۴۱
- دوم - تقدم زمانی قرارداد موضوع انتقال ۲۴۳
- سوم - وابستگی قرارداد به مال موضوع انتقال ۲۴۴
- چهارم - آگاهی انتقال گیرنده به وجود قرارداد ۲۵۱
- پنجم - رضایت طرف دیگر ۲۵۳
- ج) شرایط اختصاصی انتقال قهري قرارداد ۲۵۵
- اول - لزوم عقد ۲۵۵
- دوم - مرگ طرف عقد ۲۵۵
- سوم - توارث قائم مقام ۲۵۶
- محبث دوم - موانع انتقال قرارداد** ۲۵۷
- گفتار اول - توافق طرفین قرارداد ۲۵۷
- الف) شرط مباشرت ۲۵۸
- ب) شرط منع انتقال قرارداد ۲۶۱
- ج) تمایز شرط مباشرت و شرط منع انتقال عقد ۲۶۲
- د) تفسیر قصد مشترک طرفین ۲۶۵
- گفتار دوم - شخصی بودن قرارداد ۲۶۹
- الف) مقایسه با شرط مباشرت ۲۷۰
- ب) ممنوعیت انتقال ارادی، تبعی و قهري ۲۷۱

گفتار سوم- قانون	۲۷۴
الف) قوانین امری و تکمیلی	۲۷۴
ب) احکام خاص قانون یکنواخت تجارت امریکا	۲۷۵
اول - موانع ویژه انتقال حقوق قراردادی	۲۷۵
دوم - موانع ویژه تفویض تعهدات قراردادی	۲۷۸
گفتار چهارم- سوء استفاده از حق	۲۷۹
گفتار پنجم- نظم عمومی	۲۸۲
گفتار ششم- ضمانت اجرای موانع	۲۸۴
مبحث سوم- مقایسه انتقال قرارداد با مفاهیم مشابه	۲۸۷
گفتار اول- تبدیل تعهد	۲۸۷
الف) مقایسه مفاهیم	۲۸۸
ب) وجوه تمایز	۲۹۱
اول - بقاء و سقوط رابطه حقوقی	۲۹۱
دوم - بقاء و سقوط تضمینات	۲۹۲
سوم - اطراف رابطه حقوقی	۲۹۳
چهارم - ماهیت قراردادی تبدیل تعهد	۲۹۴
پنجم - موضوع رابطه حقوقی	۲۹۴
ششم - ترکیب انتقال حق و تعهد در انتقال قرارداد	۲۹۴
ج) حقوق مقایسه	۲۹۶
د) نتیجه بحث و بررسی	۲۹۸
گفتار دوم- انتقال حق	۳۰۰
الف) مقایسه مفاهیم	۳۰۰
ب) وجوه تمایز	۳۰۴
گفتار سوم- انتقال دین	۳۰۶

- ۳۰۷..... الف) مقایسه مفاهیم
- ۳۰۸..... ب) وجوه تمایز
- ۳۱۰..... گفتار چهارم- قرارداد فرعی
- ۳۱۱..... الف) مقایسه مفاهیم
- ۳۱۴..... ب) وجوه تمایز

فصل سوم- آثار انتقال قرارداد

- ۳۲۱..... مبحث اول- آثار انتقال قرارداد
- ۳۲۱..... گفتار اول - انتقال موقعیت قراردادی
- ۳۲۶..... الف) انتقال حقوق ناشی از قرارداد
- ۳۲۶..... اول - قاعده عمومی
- ۳۲۸..... دوم - میزان حقوق انتقالی
- ۳۳۲..... سوم - کیفیت حقوق انتقالی
- ۳۳۲..... ۱- حقوق عینی و دینی
- ۳۳۳..... ۲- حقوق معلق و منجز
- ۳۳۴..... ۳- حق حال و مؤجل
- ۳۳۶..... ۴- حقوق موجود و آتی
- ۳۴۰..... چهارم) انتقال حق حبس
- ۳۴۲..... پنجم) انتقال خيار فسخ
- ۳۴۳..... ۱- انتقال قهری قرارداد
- ۳۴۶..... ۲- انتقال تبعی قرارداد
- ۳۴۸..... ۳- انتقال ارادی قرارداد
- ۳۴۹..... ۴- حقوق مقایسه
- ۳۵۰..... ششم) انتقال اقاله

۳۵۵.....	ب) انتقال تعهدات ناشی از قرارداد
۳۵۵.....	اول - قاعده عمومی
۳۵۹.....	دوم - میزان تعهدات انتقالی
۳۶۰.....	سوم - کیفیت تعهدات انتقالی
۳۶۰.....	۱- تعهدات معلق و منجز
۳۶۲.....	۲- تعهدات حال و مؤجل
۳۶۳.....	یک - انتقال ارادی
۳۶۴.....	دو - انتقال تبعی
۳۶۴.....	سه - انتقال قهری
۳۶۵.....	۱) مفهوم دین و تعهد
۳۶۸.....	۲) مبانی فقهی
۳۷۵.....	۳) مبانی حقوقی
۳۸۲.....	۴) نتیجه بحث و بررسی
۳۸۵.....	چهارم - نحوه انتقال تعهدات
۳۹۱.....	ج) انتقال شروط ضمن عقد
۳۹۳.....	د) انتقال شرط داوری
۳۹۴.....	اول - ماهیت شرط داوری و استقلال آن
۳۹۶.....	دوم - وضعیت انتقال شرط داوری
۳۹۸.....	ه) انتقال دعوی ناشی از قرارداد
۳۹۸.....	اول - قاعده عمومی انتقال دعوی
۳۹۹.....	دوم - انتقال قرارداد قبل از اقامه دعوی
۴۰۱.....	سوم - انتقال قرارداد پس از اقامه دعوی
۴۰۱.....	و - انتقال توابع، دفاعیات و تضمینات
۴۰۲.....	اول - انتقال طلب

- ۴۰۵..... دوم - انتقال دین
- ۴۰۹..... سوم - وضعیت توابع و تضمینات در انتقال قرارداد
- ۴۱۱..... (ز) زمان انتقال عقد
- ۴۱۱..... اول - انتقال ارادی قرارداد
- ۴۱۶..... دوم - انتقال تبعی قرارداد
- ۴۱۹..... سوم - انتقال قهری قرارداد
- ۴۲۱..... گفتار دوم - روابط حقوقی میان طرف اصلی قرارداد، ناقل و منتقل الیه
- ۴۲۱..... الف) رابطه حقوقی ناقل و منتقل الیه
- ۴۲۳..... ب) رابطه حقوقی ناقل و طرف اصلی عقد
- ۴۲۳..... اول - حقوق ایران
- ۴۲۶..... دوم - حقوق مقایسه
- ۴۲۹..... ج) رابطه حقوقی منتقل الیه و طرف اصلی عقد
- ۴۳۵..... **مبحث دوم - انتقال قرارداد در اسناد بین‌المللی**
- ۴۳۵..... گفتار اول - اصول حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی
- ۴۳۵..... الف) مفهوم انتقال قرارداد
- ۴۳۶..... ب) رضایت طرف دیگر عقد
- ۴۳۷..... ج) وضعیت حقوقی ناقل در بخش انتقال تعهدات
- ۴۳۸..... د) انتقال حقوق قراردادی
- ۴۳۹..... ه) انتقال تعهدات قراردادی
- ۴۳۹..... و) توابع و تضمینات
- ۴۴۰..... گفتار دوم - اصول حقوق قراردادهای اروپا
- ۴۴۰..... الف) مفهوم انتقال قرارداد
- ۴۴۱..... ب) انتقال حقوق و تعهدات قراردادی

فصل چهارم - قواعد انتقال عقود معین و غیر معین

۴۴۵.....	مبحث اول - عقود معین
۴۴۵.....	گفتار اول - انتقال عقد اجاره
۴۴۶.....	الف) انتقال ارادی از ناحیه مستأجر
۴۴۶.....	اول - تمایز انتقال اجاره و اجاره فرعی
۴۵۱.....	دوم - مبنای حقوقی و فقهی
۴۵۳.....	سوم - تملیک منافع به مستأجر لاحق
۴۵۴.....	چهارم - اثر انتقال
۴۵۴.....	ب) انتقال تبعی از ناحیه موجر
۴۵۵.....	اول - مبنای حقوقی و فقهی
۴۵۸.....	دوم - آثار قائم مقامی خریدار
۴۵۸.....	۱- قاعده عمومی
۴۶۰.....	۲- تکلیف پرداخت اجاره بها
۴۶۵.....	ج) انتقال قهری از ناحیه طرفین
۴۶۶.....	گفتار دوم - انتقال عقد بیع
۴۶۶.....	الف) تمیز انتقال بیع از انتقال مبیع
۴۶۷.....	ب) انتقال ارادی بیع
۴۷۰.....	ج) انتقال تبعی بیع
۴۷۱.....	د) انتقال قهری بیع
۴۷۱.....	گفتار سوم - انتقال عقد مزارعه
۴۷۱.....	الف) انتقال ارادی از ناحیه عامل
۴۷۶.....	ب) انتقال تبعی از ناحیه مالک
۴۷۶.....	ج) انتقال قهری از ناحیه طرفین
۴۷۷.....	گفتار چهارم - انتقال عقد مساقات
۴۷۸.....	گفتار پنجم - انتقال عقد مضاربه

۴۸۳.....	گفتار ششم - انتقال عقد وکالت
۴۸۷.....	گفتار هفتم - انتقال حق انتفاع
۴۸۹.....	گفتار هشتم - انتقال حق ارتفاق
۴۹۱.....	گفتار نهم - انتقال عقد عاریه
۴۹۵.....	گفتار دهم - انتقال عقد ودیعه
۴۹۶.....	گفتار یازدهم - انتقال عقد بیمه
۵۰۰.....	گفتار دوازدهم - انتقال قرارداد حمل و نقل
۵۱۰.....	گفتار سیزدهم - انتقال قرارداد کار
۵۱۵.....	مبحث دوم - عقود غیرمعین
۵۱۵.....	گفتار اول - انتقال قرارداد پیمانکاری
۵۱۷.....	گفتار دوم - انتقال قولنامه
۵۲۳.....	نتایج تحقیق
۵۲۹.....	پیشنهادها
۵۳۱.....	فهرست الفبایی مطالب
۵۳۷.....	فهرست قوانین مورد استناد
۵۴۷.....	فهرست منابع

پیشگفتار چاپ دوم

مهمترین رسالت دانش حقوق، استقرار نظم و ایجاد عدالت در روابط اجتماعی است. نیل به این مقصود بدون تحول ممکن نیست و چنانچه در وفاداری به میراث گذشتگان افراط شود، از نیازهای مردم فاصله می‌گیرد و رسالت اصلی فراموش می‌شود. در قلمرو حقوق قراردادهای چنین تحولی همیشه وجود داشته است. یکی از مفاهیم جدید حقوق مدنی که طی سالهای اخیر رشد و توسعه یافته است، نهاد انتقال قرارداد است. چنین پیشرفتی در حقیقت، زاده نیازهای تجار و اشخاص در قلمرو قراردادهای بوده است. تحقیق حاضر علاوه بر ارائه نظریه عمومی، انتقال عقد را در عقود معین نیز بررسی کرده است. در بسط نظریه عمومی، انتقال عقد به سه نوع انتقال ارادی، تبعی و قهری تفکیک شده و علاوه بر قواعد عمومی و مشترک، احکام اختصاصی هر یک از اقسام انتقال عقد نیز مورد مطالعه قرار گرفته است.

اولین طراح موضوع در ادبیات حقوقی ایران، استاد فقید دکتر ناصر کاتوزیان است که در جلد سوم کتاب قواعد عمومی قراردادهای به نهاد انتقال قرارداد اشاره نموده است. بی‌مناسبت نمی‌بینم تا خاطره تألیف اثر حاضر را که به عنوان رساله دکتری در اسفند یکهزار و سیصد و هشتاد و یک از آن دفاع نموده‌ام، با مخاطبین خود در میان بگذارم. حدود سه سال پیش از دفاع از رساله مزبور و پس از شش ماه مطالعه در خصوص جوانب آن، در صدد برآمدن تا برای مشاوره در خصوص طرح، نظر استادانم را جويا شوم. ملاقات اول با استاد دکتر ناصر کاتوزیان اتفاق افتاد و ایشان متذکر شدند که اگر مطالعه تطبیقی در خصوص موضوع صورت پذیرد، قابلیت پژوهشی مستقل را دارد و بنابراین تشویق ایشان بدرقه راهم شد. با این امید که استاد دیگرم نیز چنین رهنمودی خواهند داشت، خدمت دکتر مهدی شهیدی رسیدم. به محض طرح موضوع با ایشان، با صراحت تمام از عدم اعتقاد خود به موضوع سخن گفتند. البته پیش از این، استادان دیگرم دکتر

سید مصطفی محقق داماد و دکتر سید حسین صفایی هر دو بر امکان تحقیق روی موضوع نظری موافق داشتند. با اینکه مطالعه موضوع تحقیق از توجیه کافی برخوردار بود، اما همان یک نظر مخالف نیز مدتها ذهنم را مشغول ساخته بود. به تدریج که کار پیش می‌رفت و نظریات و دکترین حقوق خارجی مورد مطالعه قرار می‌گرفت، تردیدها نیز منتفی می‌شد تا اینکه مدتی پس از انجام تحقیق، اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی (UPICC)، اصول حقوق قراردادهای اروپا (PECL) و همچنین طرح چارچوب مشترک مرجع (پیش نویس قانون مدنی آینده اروپا DCFR) به عنوان سه سند بین‌المللی معتبر، انتقال ارادی قرارداد را به رسمیت شناخت و مقرراتی را در این خصوص پیش‌بینی نمود. اکنون با گذشت زمان هیچگونه ابهام و تردیدی در اهمیت موضوع وجود ندارد و تأکید مجدد بر ضرورت طرح بحث انتقال عقد در حقوق مدنی ما بی‌مورد به نظر نمی‌رسد. در مطالعات حقوق اسلام و آثار فقهی نیز نشانه‌های متعددی از نظریه انتقال عقد ملاحظه می‌شود و ضرورت قانونگذاری در نظام حقوقی ما را که اکثر دادرسان آن تمایل بیش از اندازه در توسل به متن قانون دارند، آشکار می‌سازد.

چند سالی است که کتاب حاضر به عنوان منبع درس حقوق مدنی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری حقوق خصوصی معرفی و مورد استقبال قرار گرفته است و اینک چاپ دوم آن را انتشاراتی شهر دانش عهده‌دار گردیده است که شایسته است مراتب امتنان خود را از مدیران محترم و فاضل آن ابراز دارم. همچنین همکاری آقای حمید بهرامی وکیل محترم دادگستری در بازخوانی اثر در خور قدردانی است.

ابراهیم شعاریان

زمستان ۱۳۹۳

e_shoarian@tabrizu.ac.ir

پیشگفتار چاپ اول

در زمانه‌ای که نوشته‌های چاپی مصون از تیغ نقد هستند، ارائه آثار حقوقی، مسئولیت سنگینی به دنبال دارد. در چنین بازار مکاره‌ای، نویسنده، با دو احتمال روبرو است، یا آنکه در خیل کاسبان شهرت و نام قرار می‌گیرد و یا آنکه به حکم وظیفه، زکات دانش خود اداء نموده است و حل این معما جز به فراست و مطالعه نقادانه اثر ممکن نیست.

ارزیابی و نقد قانون مدنی که بر تارک قوانین ایران می‌درخشد و طوفان، هنوز گریبان آن را نگرفته است، به سبب اعتبار ویژه‌ای که دارد، این مسئولیت را دو چندان می‌سازد. وظیفه حقوقدان در ترجمه متون خارجی یا تکرار مطالب گذشتگان خلاصه نمی‌شود، که این هر دو، با پیشرفت تکنولوژی بشر، به یاری رایانه بی‌روح نیز در اندک زمان، ممکن است. اوست که باید جامه تازه زمانه را بر قالب‌های سنتی تدارک دیده و قواعد نو و پیشرفته، حقوق خارجی را با شمایی دیگر در مذهب و فرهنگ دیرین جامعه خود، جای دهد و امکان استفاده از تجربه و دانش نوع بشر را برای ملت خود به ارمغان آورد. مفاهیم و قواعد مهجور و متروکم را که نیاز عصر کنونی است مورد مطالعه قرار دهد و در تکمیل و متمیم نظام حقوقی متبوع بکوشد. با آنکه حقوق مدنی، از آثار بی‌نظیر علمای حقوق برخوردار است، لیکن، برخلاف پندار برخی، هنوز، سرشار از ناگفته‌هایی است که بایستی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

یکی از این ناگفته‌ها، انتقال عقد است و در اثر حاضر، در حالی به عنوان مفهومی نو در ادبیات حقوقی ایران مورد مطالعه قرار گرفته است که حداکثر تلاش برای تطبیق آن با قواعد و اصول فقهی و حقوقی صورت گرفته است. ادعا و اثبات شده است که این مفهوم ریشه‌ای بس غنی در فقه و حقوق ما دارد و نیازی به عاریه از حقوق غرب نیست، هر چند توسعه و تکامل این نهاد در نظام‌های دیگر حقوقی ما را ناگزیر از توسل به تجربه و دانش آنان ساخته است.

قرارداد مخلوق اراده طرفین و موجد حق و تکلیف برای آنان است و در حق اشخاص

ثالثی که نسبت به آن بیگانه‌اند مؤثر نمی‌باشد. به استناد اصل نسبی بودن قرارداد، آثار عقد، اعم از حقوق و تعهدات ناشی از آن، دامنگیر اشخاصی می‌شود که با اراده آزاد خود، قرارداد را منعقد نموده‌اند و جز در موارد استثنائی، ثالث تحت تأثیر عقد دیگران قرار نمی‌گیرد.

با این همه، فوت یکی از طرفین عقد در مواردی، سبب می‌شود تا وارث او به عنوان قائم‌مقام عام، به جای او تکیه زند و جانشین مورث خود در قراردادی شود که انعقاد کننده آن نبوده است.

حقوق و تکالیفی که به وارث منتقل می‌گردد، در مجموعه‌ای بنام عقد نهفته است که اصالت دارد و هویتی مستقل محسوب می‌شود. پذیرش قائم مقامی وارث الزاماً مسبوق به پذیرش نظریه دارایی تلقی شدن عقد است، و به این دلیل است که عقد، قابلیت انتقال قهری را دارد، چه، اگر چنین حقوق و تعهداتی، دارایی - اعم از مثبت و منفی - به حساب نیاید، در قائم مقامی وارث باید تردید نمود.

علاوه بر انتقال قهری عقد، تحت شرایطی، قانونگذار، شخص ثالث را قائم‌مقام خاص یکی از طرفین قرارداد تلقی می‌کند. چنین انتقالی به حکم قانون و به تبع تحصیل مالکیت مال، رخ می‌دهد و نتیجه آن، انتقال حقوق و تعهدات ناشی از عقد است. به عنوان مثال اگر شخصی منزل خود را در مقابل حوادث قهری، بیمه نماید و سپس آن را بفروشد، عقد بیمه به تبع انتقال مالکیت منزل به خریدار منتقل می‌شود و او در عقد بیمه، بیمه‌گذار محسوب خواهد شد. به همین ترتیب در عقد اجاره خریدار مالی که قبلاً به اجاره داده شده قائم مقام فروشنده در اجاره پیشین است.

انتقال ارادی و مستقیم عقد، نوع دیگری از واگذاری حقوق و تعهدات قراردادی است و به رغم اهمیت ویژه‌ای که دارد، در حقوق ما چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در این نوع انتقال، طرف عقد، با رضایت طرف دیگر، از عقد و رابطه حقوقی کنار می‌رود و شخص دیگری را جایگزین خود می‌سازد. توجیه چنین انتقالی، با شناسایی عقد به عنوان یک دارایی مستقل، چندان دشوار نیست.

در جهان امروز حقوق و مطالبات و دیون بخشی از دارایی انسان است و باید به سهولت قابل نقل و انتقال باشد. قرارداد نیز به دنبال برخورداری از چنین امتیازی است

تا همانند اموال قابل واگذاری باشد. در انتقال ارادی عقد، انتقال حق و انتقال دین به صورت توأم و داخل در یک مجموعه اصیل - عقد - واقع می‌شود. انتقال گیرنده عقد، مشمول حقوق و تعهدات عقدی قرار می‌گیرد که قبلاً توسط دیگری منعقد گردیده و در نیمه راه زمام امر به او سپرده شده است. جایگاه سنتی چنین انتقالی عقد اجاره است و مستأجر با رضایت مالک، دیگری را به جای خود می‌نشانند و موجر را با مستأجری جدید مواجه می‌سازد.

انتقال ارادی عقد در تجارت بین‌الملل نیز از اهمیت ویژه برخوردار است. در بسیاری از قراردادهای بین‌المللی نظیر قرارداد بین‌المللی بای‌بک و خرید متقابل، شرایط انتقال ارادی قرارداد و آثار آن مورد توافق قرار می‌گیرد و نشانگر اهمیت موضوع در عرصه تجارت بین‌المللی است. حتی در حقوق معاهدات بین‌المللی نیز انتقال معاهدات در تجزیه یا اتحاد دول موضوعیت دارد و مسئله جانشینی آنان نسبت به معاهدات قبلی را مطرح می‌سازد.

با این وصف، وقتی تغییر در مفاد قرارداد، شرایط آن، مدت اجرا و حتی مبلغ آن ضرورتی غیرقابل انکار است به همان دلیل تغییر در طرف قرارداد نیز می‌تواند بخشی از نیازهای زمان کنونی تلقی شود. مهمترین مزیت شناسایی چنین نهادی، بقای رابطه حقوقی - عقد - است و تغییر و جانشینی طرف قرارداد، لطمه‌ای به حیات آن وارد نمی‌سازد. در این تحقیق، انتقال قرارداد اعم از نوع ارادی، تبعی و قهری آن مورد بررسی واقع و حقوق انگلیس و آمریکا به عنوان محور اصلی مطالعه تطبیقی در نظر گرفته شده است. دلیل چنین انتخابی، همیتی است که موضوع تحقیق در حقوق کشورهای یاد شده، دارا می‌باشد. علاوه بر این، پذیرش نهاد انتقال دین در حقوق ایران از یک سو و عدم شناسایی نهاد مزبور در کامن‌لا از سوی دیگر، سبب تمایز میان مفهوم و آثار انتقال قرارداد گردیده و ضرورت مقایسه و زمینه انتخاب راه‌حل مناسب‌تری را فراهم ساخته است.

همچنین در قوانین مدنی ایتالیا و پرتغال، قواعد ویژه‌ای برای انتقال قرارداد پیش‌بینی شده است که در نوع خود منحصر به فرد و درخور توجه است. در قوانین کشورهای عربی مانند مصر و سوریه، انتقال برخی از عقود معین به رسمیت شناخته شده است. بنابراین به لحاظ اهمیت مطالعات تطبیقی احکام و مقررات برخی دیگر از

کشورها نیز مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که بخش عمده‌ای از حقوق ایران، متکی به نظام حقوقی اسلام است، بررسی ابعاد فقهی موضوع، از دیگر ویژگیهای مطالعه حاضر می‌باشد.

در تحقیق حاضر تلاش شده است تا در حد امکان شرایط و آثار و احکام انتقال قرارداد در تمامی اقسام آن از جمله انتقال ارادی، تبعی و قهری از قواعد و احکام یکنواختی تبعیت نماید و از تنوع و پیچیدگی احکام آن کاسته شود. گفتنی است، بضاعت اندک علمی، تحقیق حاضر را با کاستی‌های فراوان همراه ساخته است. آنچه مایه خشنودی است، تلاشی است که در طرح موضوع به شیوه‌ای نو صورت گرفته است، با وقوف بر اینکه بدیع بودن پاره‌ای از مسائل و موضوعات تحقیق، علاوه بر پیچیدگی کار، بر عیوب آن افزوده است.

اساتید بزرگوارم آقایان دکتر سید مصطفی محقق داماد و دکتر سید حسین صفایی که از تذکرات و پیشنهادات ارزنده ایشان در این تحقیق بهره مند گردیده‌ام، در خور سپاس و تقدیرند. همچنین از جناب آقای یوسف مولائی دانشجوی دکتری حقوق خصوصی و آقای جعفر شاکری وکیل محترم دادگستری که نگارنده را در انتشار کتاب حاضر یاری نمودند، سپاسگزارم. بسی سعادت‌مند خواهیم بود که از تذکرات و پیشنهادات صاحب‌نظران استفاده و بهره‌برداری نمایم.

ابراهیم شعاریان

تابستان ۱۳۸۸

تقدیم به تمامی آنانکه سهم بزرگی در این اثر ناچیز داشته‌اند

به پدرم و به روان شاد مادرم

به همسرم، پذیرای کاستی‌های ایام تحقیق و

به گل‌های باطراوت زندگی‌ام، مونا و الینا

فصل اول

کلیات

در این فصل مفهوم و سابقه تاریخی انتقال قرارداد و جایگاه آن از جهت ارتباطی که با اصل نسبی بودن عقد دارد، مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین اقسام انتقال قرارداد اعم از نوع ارادی، تبعی و قهری آن بخش دیگری از فصل حاضر را به خود اختصاص داده است. اسباب انتقال عقد و بررسی مبنای فقهی و حقوقی انتقال قرارداد از دیگر موضوعات فصل حاضر است.

مبحث اول: واژه‌شناسی و مفهوم انتقال قرارداد

شناخت دقیق از اصطلاحات و واژگان کلیدی بالاخص عنوان بحث، سهم بسزائی در تبیین موضوع دارد. این ضرورت هنگامی که نهاد نسبتاً جدیدی مورد بررسی قرار می‌گیرد بیشتر احساس می‌شود. اصطلاح «انتقال قرارداد» در حقوق ما به ندرت مورد استفاده واقع شده و تقریباً ناشناخته است و ضروری است که معنی و مفهوم آن در حقوق ایران و کشورهای مورد مطالعه بدرستی روشن شود.

همچنین این اصطلاح ارتباط نزدیکی با مفهوم «قائم مقام» دارد که بدیهی است این واژه نیز باید مورد بررسی قرار گرفته و با مفهوم «انتقال قرارداد» مقایسه شود.

گفتار اول: حقوق ایران

انتقال قرارداد مرکب از دو جزء «انتقال» و «قرارداد» می‌باشد انتقال در لغت به معنی جابجا شدن، نقل کردن، واگذاری چیزی از مال خود به دیگری، جابجا شدگی و درک آمده و قرارداد نیز مرادف عهد، اتفاق دو یا چند تن در امری و پیمان می‌باشد^۱.

قرارداد در اصطلاح حقوقی همان مفهوم لغوی را دارد؛ به این توضیح که در دو معنی اعم و اخص بکار رفته که در معنی اعم شامل عقود معین و غیرمعین و در معنی اخص فقط شامل عقود غیرمعین مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی است. در تعریف اصطلاحی قرارداد بیان شده که همکاری متقابل اراده دو یا چند شخص در ایجاد ماهیت حقوقی

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱ و ۲، چاپ چهاردهم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۳۶۵ و ۲۶۵۲؛ حسن

عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱ و ۲، چاپ هفتم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۲۳۹ و ۱۵۷۲.

است^۱ که همان مفهوم عقد را در پی دارد و نظر غالب این است که قرارداد با عقد مفهومی یکسان دارد.^۲

انتقال قرارداد در اصطلاح حقوقی دارای مفهوم ویژه‌ای است که در حقوق ما کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

در قوانین هر چند موارد و مصادیقی از انتقال قرارداد ملاحظه می‌شود با وجود این تعریفی از آن به عمل نیامده است ماده ۲۱۹ ق.م. لازم‌الاتباع بودن عقود را نسبت به قائم مقام متعاملین پذیرفته اما مفهوم دقیقی از سرایت عقد به قائم مقام ارائه ننموده و اشخاص قائم مقام را تعیین و احصاء نکرده است. ماده ۲۳۱ همان قانون نیز در بیان تأثیر عقود مقرر داشته که معامله علاوه بر طرفین قرارداد، در حق قائم مقام قانونی آنها مؤثر می‌باشد.

به نظر برخی^۳ طرف قرارداد می‌تواند شخص ثالثی را قائم مقام خود سازد و وضع حقوقی خود، اعم از حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد را به دیگری انتقال دهد و افزوده‌اند که «در انتقال قرارداد هدف این نیست که دین یا طلب ناشی از عقد به دیگری واگذار شود مقصود این است که انتقال گیرنده جانشین طرف قرارداد شود و از تمام ویژگی‌های موقعیت قراردادی بهره‌مند باشد و همانند طرف عقد بتواند آن را فسخ کند و اجبار طرف را بخواهد و از حق حبس سود ببرد» و بنابراین اصطلاح دیگری را تحت عنوان «انتقال موقعیت قراردادی» مطرح و آن را مترادف «انتقال قرارداد» دانسته‌اند.

۱. مهدی شهیدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷، ص ۴۰.
 ۲. هر چند حقوقدانان در تعریف عقد و قرارداد اتفاق نظر ندارند با وجود این، نظریه برابری مفهوم عقد و قرارداد در حقوق ما پذیرفته شده است لذا در تحقیق حاضر واژه قرارداد و عقد هر دو به یک مفهوم و در معنی اعم خود که شامل عقود معین و غیرمعین می‌باشد بکار رفته است. جهت مطالعه بیشتر در خصوص معانی عقد و قرارداد رک: مهدی شهیدی، همان، ص ۳۶ به بعد، سیدحسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، چاپ ششم، تهران، نشر کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۶، ص ۱۵۸ و ۱۵۹؛ ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چاپ ششم، تهران، نشر انتشار، ۱۳۸۳ ص ۱۴ به بعد؛ سیدحسین صفایی، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، تهران، مرکز تحقیقات، ۱۳۵۵، ص ۱۷۴ و در خصوص معانی عقد در فقه اسلام رجوع کنید به: جلیل قنواتی و سایرین، حقوق قراردادها در فقه امامیه، زیر نظر سید مصطفی محقق داماد، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۹، ص ۶۱ به بعد.
 ۳. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، پیشین، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

همچنین بیان شده که انتقال عقد آن است که شخص پس از انعقاد یک قرارداد، موقعیت خود را از لحاظ طرف پیمان بودن، به دیگری منتقل سازد.^۱ بنابراین در مفهومی که برای انتقال قرارداد ارائه شده انتقال ارادی آن مدنظر قرار گرفته است.

در موردی که حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد به طور قهری به وراث منتقل می‌گردد از مفهوم قائم مقام عام استفاده شده است.^۲

قائم مقام در لغت به معنای جانشین و نایب آمده است و لیکن در هیچیک از قوانین تعریفی از آن بعمل نیامده است.

به موجب تعریفی، قائم مقام «کسی است که به‌طور مستقیم یا به وسیله نماینده خود در تراضی شرکت نداشته، ولی در نتیجه انتقال تمام یا بخشی از دارایی یکی از دو طرف به او جانشین طرف قرارداد و عهده‌دار و بهره‌مند از اجرای آن شده است».^۳ در تعریف دیگری بیان شده که «اشخاصی که در تشکیل قرارداد دخالت نداشته اما اثر عقد از طرفین به آنها سرایت می‌کند قائم مقام تلقی می‌شوند».^۴

همچنین اظهار شده که «قائم مقام کسی است که مستقیماً در عقد و یا قرارداد مداخله نداشته ولی آثار آن به جهتی از جهات از متعاملین به او سرایت می‌نماید و شامل وراث، منتقل‌الیه و طلبکار می‌باشد».^۵ بعضی دیگر قائم مقام را شخصی دانسته‌اند که به‌طور قهری یا طبق قرارداد عقد به وی منتقل می‌شود و اضافه نموده‌اند که «این افراد گرچه قبلاً در عقد مداخله و شرکت نداشته‌اند ولی بعداً در اثر توارث یا انتقال صاحب کلیه حقوق و متحمل همه تعهداتی می‌شوند که مورث یا انتقال دهنده داشته یا ملزم به انجام آن بوده است و بنابراین قاعده انتقال عقد به جانشین شخص در ماده ۲۱۹

۱. مجید غمامی، آزادی‌گزینش طرف قرارداد، مجله تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۵.

۲. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، پیشین، ص ۲۹۷.

۳. همان، ص ۲۷۹.

۴. مهدی شهیدی، حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات، ج ۲، چاپ سوم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۳، ص ۲۸.

۵. حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، پیشین، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

ق.م. تصریح شده است»^۱.

تعدادی از نویسندگان نیز بدون اشاره به معنی و مفهوم قائم مقام، آن را شامل دو قسم قائم مقام عام و قائم مقام خاص دانسته و قائم مقام مذکور در ماده ۲۱۹ ق.م. را ناظر به مفهوم عام دانسته‌اند.^۲

باید توجه داشت مقصود از قائم مقام طرفین عقد در ماده ۲۱۹ ق.م. نماینده یا وکیل آنان نیست و برخلاف آنچه اظهار شده و آن دو را یکی پنداشته‌اند^۳، بین اشخاص مذکور تفاوت اساسی وجود دارد. قائم مقام، جانشین طرف عقد می‌باشد و آثار عقد اعم از حقوق و تعهدات به وی تسری می‌یابد و او در جایگاهی قرار می‌گیرد که قبلاً طرف عقد قرار داشته است اما نماینده (مانند ولی قهری یا قیم) و وکیل فقط نمایندگی و اختیار دارند تا عقدی را برای مولی علیه و یا موکل منعقد سازند و اثر این عقد به هیچ وجه به وکیل یا نماینده سرایت نمی‌نماید تا آنان قائم مقام طرف عقد محسوب شوند و علی‌رغم انعقاد عقد از ناحیه نماینده و وکیل، اصیل و موکل طرف عقد به حساب می‌آیند. از اینرو هر چند که ممکن است عقد توسط وکیل یا نماینده تشکیل شود با وجود این به فوت موکل یا اصیل (مانند محجور) وراثت وی قائم مقام او محسوب خواهند شد.

ذکر این نکته ضروری است که اغلب نویسندگان حقوقی، قائم مقام را شامل دو قسم عام و خاص دانسته‌اند و به وراثت، قائم مقام عام و منتقل‌الیه مال یا حق، که آثار عقد به او تسری می‌یابد (مانند خریدار عین مستأجره که جانشین موجر [فروشنده] می‌شود) قائم مقام خاص گفته‌اند. بنابراین با توجه به تعاریف ارائه شده از اصطلاح «انتقال قرارداد» ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا انتقال قرارداد، فقط شامل نوع ارادی آن بوده یا آنکه همه انواع انتقال (اعم از ارادی، تبعی و قهری) را شامل می‌شود و مرادف

۱. حسینقلی کاتبی، حقوق مدنی، عقود و تعهدات و الزامات، چاپ اول، تهران، نشر مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۵۲، ص ۷۰ و ۷۱.

۲. مصطفی عدل، حقوق مدنی، به کوشش محمدرضا بندرچی، چاپ اول، قزوین، نشر بحرالعلوم، ۱۳۷۳، ص ۱۳۸ و ۱۳۹؛ محمد بروجردی عبده، حقوق مدنی، چاپ اول، تهران، نشر علمی، ۱۳۲۹، ص ۱۴۳؛ سیدعلی شایگان، حقوق مدنی، به کوشش محمدرضا بندرچی، چاپ اول، قزوین، نشر طه، ۱۳۷۵، ص ۹۷.

۳. سیدعلی حائری شاهباغ، شرح قانون مدنی، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸.

قائم مقامی در قراردادها می‌باشد؟

اکثر حقوقدانان قائم مقام خاص را شامل منتقل‌الیه مالی دانسته‌اند که آثار قراردادی که سابقاً نسبت به مال مزبور منعقد گردیده، به او تسری می‌یابد، مانند آنکه شخصی خانه‌ای را که قبلاً به اجاره داده شده، خریداری نماید، که در این صورت خریدار قائم مقام موجد در عقد اجاره سابق خواهد بود.^۱

اما برخی انتقال ارادی و مستقیم قرارداد را نیز از موارد قائم مقامی خاص تلقی کرده‌اند. مثل آنکه مستأجری، با انتقال عقد اجاره، شخص دیگری را جایگزین خود سازد و مستأجر جدید مستقیماً با مالک رابطه حقوقی پیشین را ادامه دهد.^۲ همچنین عده‌ای قائم مقامی خاص را از مصادیق انتقال عقد دانسته‌اند و در خصوص قائم مقامی عام نیز مانند فوت بیمه‌گذار در عقد بیمه، قائل به انتقال عقد به وارث می‌باشند.^۳

در مجموع به نظر می‌رسد که قائم مقامی وراثت و منتقل‌الیه مال همان مفهوم انتقال عقد را در پی دارد و انتقال ارادی و مستقیم عقد به شخص دیگر نیز از مصادیق قائم مقامی خاص به شمار می‌رود و بنابراین واژه «قائم مقام» مذکور در مواد ۲۱۹ و ۲۳۱ ق.م. ناظر به هر سه شخص قائم مقام یعنی وراثت، منتقل‌الیه مال و انتقال گیرنده مستقیم عقد می‌باشد که می‌توان از اصطلاح عام انتقال عقد در هر سه مورد بهره گرفت. همچنین واژه قائم مقامی که در مواد ۲۱۹ و ۲۳۱ ق.م. بکار رفته است و شامل هر دو قسم قائم مقام عام و قائم مقام خاص می‌باشد، ارتباط بسیار نزدیکی با مفهوم انتقال قرارداد دارد. هیچ دلیلی وجود ندارد تا انتقال قرارداد منحصر به نوع ارادی آن باشد. بلکه در صورتی هم که حقوق و تعهدات قراردادی به طور غیرارادی (مانند فوت) به

۱. مهدی شهیدی، حقوق مدنی (۳) تعهدات، چاپ هفتم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۴، ص ۶۶؛ محمد بروجردی عبده، حقوق مدنی، پیشین، ص ۱۴۳؛ سیدحسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۶؛ مصطفی عدل، پیشین، ص ۱۳۸.

۲. ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی)، چاپ اول، تهران، نشر انتشار، ۱۳۷۰، ص ۱۷۵؛ حسینقلی کاتبی، پیشین، ص ۷۱.

۳. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، پیشین، ص ۲۹۴ و ۲۹۷.

وراث منتقل شود، انتقال قرارداد مصداق می‌یابد، این نکته از دید برخی مخفی نمانده و ماده ۲۱۹ ق.م. را همان قاعده انتقال عقد به جانشین دانسته و هر دو قسم ارادی و قهری قائم مقامی را داخل در عنوان انتقال عقد تلقی نموده‌اند.^۱

برخی از اساتید حقوق عرب، میان استخلاف (قائم مقامی) و انتقال تفاوت قائل گردیده‌اند، اما در مقابل استدلال شده است که منظور از واژه انتقال حقوق یا تعهدات، همان استخلاف و قائم مقامی است و بکارگیری واژه انتقال جهت سهولت در تعبیر است.^۲

برخی از حقوقدانان فرانسوی^۳ نیز این میزان از دقت و تمایز میان دو مفهوم یاد شده را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

گفتنی است که قائم مقام خود دارای اقسام متعددی است که ممکن است در بعضی موارد مناسبتی با موضوع بحث نداشته باشد. به عنوان نمونه قائم مقامی دادرسی، قائم مقامی در ضمان قهری، قائم مقامی در اجرای ثبت و قائم مقامی در عملیات ثبتی ارتباطی با بحث انتقال قرارداد ندارد و فقط نوعی از قائم مقامی که به تعبیر برخی، قائم مقامی در عقود^۴ است، با موضوع بحث تناسب خواهد داشت. البته گفتنی است که در قلمرو بحث قائم مقامی در عقود نیز در برخی از مقررات مانند ماده ۳۹۵ قانون تجارت اصطلاح قائم مقامی به مفهوم نمایندگی بوده و قائم مقام تجارتي از اقسام نمایندگی می‌باشد.^۵ اما در ماده ۲۱۹ و ۲۳۱ قانون مدنی مفهوم «جانشینی» آن مورد نظر بوده که مناسبتی با بحث نمایندگی ندارد.

موضوع دیگری که ذکر آن اهمیت دارد این است که انتقال قرارداد را نباید با انتقال تمام یا بخشی از حقوق ناشی از قرارداد یا تعهد ناشی از آن اشتباه گرفت در انتقال

۱. حسینقلی کاتبی، پیشین، ص ۷۱.

۲. عبدالرزاق احمد السنهوری، الوسیط، ج ۳، پیشین، ص ۴۲۰.

۳. پلانیول، ریبر و بولانژه، ج ۱، ش ۲۸۵۹، به نقل از: همان، ص ۴۱۹، پاورقی ۳.

۴. محمد جعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۵، چاپ دوم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۲، ص ۷.

۵. ماده ۳۹۵ ق.ت. مقرر داشته است: «قائم مقام تجارتي کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده است...»

قرارداد، طرف قرارداد از رابطه حقوقی کنار می‌رود و شخص دیگری جانشین و جایگزین او می‌شود و از آن پس طرف عقد به حساب می‌آید و می‌تواند حقوق ناشی از عقد را مطالبه نماید و در مقابل تعهدات ناشی از عقد نیز مسئول است، اما هنگامی که یک طرف عقد حقی را که به موجب قرارداد کسب نموده به دیگری منتقل نماید انتقال قرارداد تحقق نمی‌یابد مانند آنکه کارگری وصول دستمزدی را که استحقاق دارد به دیگری منتقل نماید. بدیهی است که در چنین حالتی طرفین قرارداد (کارفرما و کارگر یا اجیر و مستأجر) تغییر نکرده‌اند بلکه به موجب توافق علیحده، شخص ثالث می‌تواند دستمزد کارگر را مطالبه نماید، بدون آنکه طرف عقد محسوب شود.

همین وضعیت در انتقال تعهد ناشی از قرارداد نیز مشاهده می‌شود اگر چنانچه تعهد ناشی از عقد به دیگری منتقل شود^۱ مانند آنکه پیمانکاری که در مقابل کارفرما متعهد به احداث ساختمانی برای اوست، بخشی از تعهد خود را مانند پی‌کنی به شخص دیگر منتقل نماید یا آنکه ضامنی دین مستأجر را در مقابل موجر از بابت اجاره‌بها به عهده گیرد^۲ در چنین فروضی نه پیمانکار جزء^۳ طرف قرارداد با کارفرما تلقی می‌شود و نه ضامن، طرف عقد اجاره به شمار می‌رود با وجود این تعهدی که ناشی از قرارداد است و به عبارت دیگر مبنای قراردادی دارد به آنان منتقل شده است.

گفتار دوم - حقوق مقایسه

معادل انگلیسی واژه «انتقال»، Conveyance, Transfer, Assignment, Assign, Alienation, Transmission, Cession و می‌باشد که در معنای کلی شامل همه اقسام انتقال از جمله مال، مالکیت، حق، تعهد، دین و حق اقامه دعوی می‌باشد^۴.

۱. انتقال تعهد ناشی از عقد از ناحیه متعهد به دیگری نیازمند رضایت طرف دیگر عقد است در این خصوص در بحث‌های آتی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۲. ماده ۴۹۵ ق.م. مقرر می‌دارد: «اگر برای تأدیه مال الاجاره ضامنی داده شده باشد ضامن مسئول اجرة المثل مذکور در ماده فوق نخواهد بود.»

۳. Subcontractor

۴. John. S. James, Stroud's Judicial Dictionary, Vol. 1, 4th ed, London, Sweet & Maxwell, 1971, p. 203, 204.

در حقوق این کشور اغلب نویسندگان، پس از طرح اصل نسبیت قراردادهای، به عنوان یکی از استثنائات قاعده مذکور، موضوع انتقال حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد را مطرح ساخته و در تحلیل قضیه، به دو نوع ارادی و غیرارادی آن اشاره نموده‌اند و در این خصوص بیشتر اصطلاح Assignment مورد استفاده آنان بوده است.^۲ از اصطلاح Assignment of Contractual Rights and liabilities نیز در پاره‌ای از آثار این کشور استفاده شده است.^۳

همچنین برخی واژه Assignment of Contract (انتقال قرارداد)^۴ و یا Transfer of Rights and Duties (انتقال حقوق و تعهدات)^۵ را بکار برده‌اند. واژه Subrogation نیز که به معنی نیابت، جانشینی و قائم مقامی است^۶ در مواردی برای معرفی انتقال قهری قرارداد (بواسطه موت یا ورشکستگی یکی از طرفین عقد) بکار رفته است.^۷

برخی از نویسندگان از جمله تریتل حقوقدان مشهور انگلیسی انتقال عقد را به صورت مطلق به مفهوم انتقال حقوق ناشی از قرارداد^۸ تلقی کرده‌اند و تصریح نموده‌اند

۱. Privity of Contract.

۲. P. S. Atiyah, an Introduction to the Law of Contract, 4th ed, London, Clarendon Press, 1989, p. 379; G. H. Treitel, Law of Contract, 9th ed, London, Sweet & Maxwell, 1997, p. 590; E. A. Lichtenstein & P. A. Read, Contract Law Textbook, Great Britain, HLT Publications, 1994, p. 381.

۳. GC. Cheshire & C. H. S. Fiffoot & M. P. Furmston, Cheshire and Fiffoot's Law of Contract, 8th ed, London, Butterworths, 1972, p. 489.

۴. Paul Dobson, Charlesworth's Business Law, 16th ed, London, Sweet & Maxwell, 1997, p. 207; Leslie Rutherford & Sheila Bone, Osborn's Concise Law Dictionary, 8th ed, London, Sweet & Maxwell, 1993, p. 33.

۵. F. R. Davies, Contract, Third ed, London, Sweet & Maxwell, 1977, p. 162, p. 170.

۶. جواد بنی یعقوب، فرهنگ واژگان و اصطلاحات حقوقی - اقتصادی - اداری، ج ۲، چاپ اول، تهران، نشر نظر، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵۰.

۷. A. M. Tettenborn, An Introduction to the law of Obligations, London, Butterworths, 1984, p. 208.

۸. Assignment of the benefit of a Contract (G. H. Treitel, Law of Contract, *op. cit.*, p. 590).

که استفاده از واژه انتقال (Assignment) برای واگذاری تعهدات ناشی از عقد^۱ گمراه کننده بوده و باید از آن اجتناب شود و برای بیان انتقال تعهدات ناشی از عقد از عبارت Transfer of Liabilities بهره جست‌ه‌اند^۲ که ترجمه فارسی آن همان انتقال مسئولیتهای ناشی از عقد است. اما اکثر حقوقدانان این کشور اصطلاح Assignment را هم شامل انتقال حقوق ناشی از عقد و هم انتقال تعهدات ناشی از عقد دانسته‌اند و برای طرح موضوع انتقال حقوق یا تعهدات، از همان اصطلاح استفاده نموده‌اند^۳.

در مواردی اصطلاح Transmission برای انتقال قهری قرارداد از طریق مرگ یکی از طرفین در نظر گرفته شده است^۴.

همچنین برای بیان انتقال حقوق دینی ناشی از قرارداد از اصطلاح مشهور Assignment of Choses in action استفاده شده است^۵.

از آنجایی که در حقوق انگلیس، انتقال دین به رسمیت شناخته نشده است، لذا در انتقال قرارداد، تعهدات به شکل واقعی قابل انتقال نیست و برای حل این نقیصه از راه‌حلهای مختلفی نظیر اجرای نیابتی عقد^۶ و یا اصل محض سود و بار و یا تبدیل تعهد استفاده می‌شود^۷.

در حقوق این کشور انتقال حقوق ناشی از قرارداد، به طور معمول، مسئولیتی برای انتقال گیرنده ایجاد نمی‌کند، مگر اینکه صریحا، اجرای تعهدات را بپذیرد^۸. همچنین تحت شرایطی، شرط بهره‌مند شدن از حقوق ناشی از قرارداد، تحمل بار و

۱. Assignment of Liability

۲. G. H. Treitel, Law of Contract, *op. cit.*, p. 617.

۳. Lord Hailsham, Halsbury's Laws of England, Vol. 9, 4th ed, London, Butterworths, 1974, p. 212. (Assignment by act of the Parties may be an assignment either of rights or of liabilities under a contract).

۴. A. M. Tettenborn, *op. cit.*, p. 207

۵. Halsbury's Laws of England, *op. cit.* p. 210.

۶. Vicarious Performance

۷. J. Beatson, Anson's Law of Contract, 27th ed, London, Oxford press, 1998, p. 461-2.

۸. G. H. Treitel, Law of Contract, *op. cit.*, p. 618.

مسئولیت ناشی از آن می‌باشد زیرا در مواردی مسئولیت قراردادی چنان متصل و ملحق به حقوق قراردادی است یا آنکه با موضوع قرارداد اتصال دارد که انتقال حق مستلزم انتقال تعهد نیز هست. در چنین مواردی انتقال حقوق ناشی از قرارداد (سود و منفعت آن)^۱ اگر چه مسئولیت انتقال گیرنده را برای اجرای تعهدات قراردادی (بار قرارداد)^۲ سبب می‌شود، لیکن اثر آن انتقال واقعی مسئولیت نیست، زیرا ناقل همچنان مسئول اجرای قرارداد باقی می‌ماند و این قاعده، اصل محض سود و بار (بار مسئولیت) نامیده شده^۳ و ارتباط حقوق و تعهدات قرارداد را نشان می‌دهد^۴.

در حقوق این کشور انتقال قهری حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد نیز در کنار انتقال ارادی آن مورد بحث قرار گرفته است. دو نوع انتقال قهری حقوق و تعهدات قراردادی، موت یا ورشکستگی طرف قرارداد می‌باشد که سبب می‌شود وراثت یا تراستی جایگزین طرف قرارداد شود. بدیهی است که چنانچه مهارت و شخصیت طرف عقد و به عبارت دیگر مباشرت شخص مدنظر باشد، پس از موت وی، قرارداد به وراثت وی منتقل نمی‌گردد.^۵ آنچه در این خصوص مورد اتفاق نویسندگان حقوق انگلیس می‌باشد این است که در انتقال به حکم قانون^۶، حقوق و تعهدات هر دو به وراثت انتقال می‌یابد^۷ از اینرو مفهوم قائم مقامی در این نوع انتقال روشن‌تر و آشکارتر از نوع ارادی انتقال می‌باشد. در حقوق امریکا اصطلاح Assignment of Contract بخشی از مباحث حقوق

۱. Benefit

۲. Burden

۳. اصل محض سود و بار مسئولیت (Pure Principle of Benefit and Burden) با قاعده فقهی «من له الغنم فعليه الغرم» قابل مقایسه می‌باشد.

۴. G. H. Treitel, Law of Contract, *op. cit.*, p. 618-9.

۵. G. Tolhaust., The Assignment of Contractual Rights, Hart pub, 2006, Us and Canada, p. 212.

۶. Assignment by Operation of Law

۷. Halsvury's Laws of England, *op. cit.*, p. 213; F. R. Davies, *op. cit.*, p. 170; A. M. Tettenborn, *op. cit.*, p. 207; P. Dobson, *op. cit.*, p. 212; E. A. Lichtenstein, *op. cit.*, p. 386; G. H. Treitel, Law of Contract, *op. cit.*, p. 620; G. C. Cheshire, *op. cit.*, p. 512-3

قراردادها را به خود اختصاص داده است. در قانون یکنواخت تجارت امریکا^۱، احکامی در خصوص انتقال حقوق و تعهدات قرارداد بیع و اجاره ذکر شده است.

ماده ۲۱۰-۲ قانون مذکور در خصوص قرارداد بیع، بحث انتقال حقوق و تفویض تعهدات ناشی از بیع را مطرح نموده و از اصطلاح Assignment of Rights و Delegation of Performance استفاده نموده است.

به موجب بند ۴ ماده ۲۱۰-۲ قانون مذکور انتقال قرارداد^۲ یا انتقال کلیه حقوق ناشی از قرارداد^۳ به مفهوم انتقال توأم حقوق ناشی از قرارداد و تفویض اجرای تعهدات می‌باشد مگر اینکه عبارات به کار رفته و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه برخلاف آن را مدلل ساخته و نشان دهد که منظور طرفین صرفاً واگذاری حقوق ناشی از قرارداد بوده است^۴.

ماده الف ۳۰۳-۲ قانون یاد شده نیز در خصوص قابلیت انتقال عقد اجاره احکامی را مقرر داشته و از اصطلاح Transfer of Rights و Delegation of Performance استفاده کرده است. بند ۶ ماده مذکور مقرر داشته انتقال اجاره (Transfer of the Lease) به مفهوم انتقال حقوق ناشی از تفویض تعهدات در نظر گرفته می‌شود مگر آنکه زبان بکار رفته در قرارداد یا اوضاع و احوال برخلاف آن دلالت نماید^۵.

به عنوان قاعده کلی از مواد یاد شده چنین استنباط می‌شود که با انتقال قرارداد، انتقال گیرنده مسئولیت اجرای آن را به عهده می‌گیرد در حالی که در حقوق انگلیس عکس قاعده مزبور صادق است و انتقال قرارداد، به معنای قبول اجرای تعهدات از ناحیه

۶. U. C. C. (Uniform Commercial Code). قانون تجارت متحد آمریکا که اولین بار در سال ۱۹۵۲ انتشار یافت یکی از قوانین یکنواختی است که تلاش نموده است حقوق مربوط به قراردادهای وی و سایر معاملات بازرگانی را در تمامی ۵۰ ایالت آمریکا یکنواخت نماید. برخی از ایالاتها تغییرات شکلی در قانون مزبور صورت داده‌اند. قانون یاد شده هر چند مربوط به حقوق داخلی ایالات متحده است اما به جهت پذیرش آن در تمامی ایالاتهای آمریکا از اهمیت خاصی در مطالعات تطبیقی برخوردار است.

۲. Assignment of Contract

۳. Assignment of all my rights under the contract

۴. <http://www.law.cornell.edu/ucc/ucc.table.html> (18. 2. 2002)

۵. *Ibid*

انتقال گیرنده تلقی نمی‌شود.

به نظر برخی اصطلاح Assignment of Contract هر چند که در عرف معمول و رایج می‌باشد اما حدود و ثغور آن باید روشن گردد و مشخص گردد که منظور از اصطلاح مذکور چیست؟ اگر منظور از انتقال قرارداد این است که اجزای تشکیل دهنده آن مانند ایجاب، قبول و عوض و نظائر آن و وقایعی که رابطه حقوقی الزام‌آور ایجاد نموده منتقل گردد چنین استدلالی بی‌معنی خواهد بود چرا که حادثه‌ای که در زمان گذشته اتفاق افتاده است قابل انتقال نمی‌باشد.^۱

هنگامی که طرفین قرارداد از واژه انتقال قرارداد استفاده می‌نمایند به درستی روشن نیست که منظور آنان چیست و آیا غیر از انتقال حقوق، انتقال تعهدات نیز مدنظر آنان بوده است یا نه؟ در این خصوص انستیتوی حقوق آمریکا بیان داشته که براساس قاعده تفسیر محتمل (فرضی)^۲، چنین در نظر گرفته می‌شود که انتقال دهنده علاوه بر واگذاری حقوق، تعهدات قراردادی را نیز تفویض نموده و انتقال گیرنده نیز اجرای آن تعهدات را تقبل نموده است. چنین استدلالی معقول تصور شده و آرای بسیاری از این فرض حمایت نموده است هر چند که دادگاه استیناف نیویورک با حمایت از آرای قدیمی اعتقاد دارد که چنین فرضی ابدأ وجود ندارد. به‌طور کلی مفهوم انتقال قرارداد بیشتر متکی به نوع رابطه حقوقی است که میان ناقل و منتقل‌الیه وجود دارد و در هر مورد باید جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد در مواردی فقط حقوق ناشی از قرارداد منتقل می‌گردد هر چند که از واژه انتقال قرارداد استفاده شده باشد با وجود این تحت شرایطی دیگر انتقال گیرنده هنگامی حقوق ناشی از قرارداد را کسب خواهد نمود که متقابلاً اجرای تعهدات قراردادی را تقبل نموده باشد.^۳

در خصوص قراردادهای در حال اجرا^۴ انتقال قرارداد به مفهوم انتقال توأم حقوق و

۱. Arthur. L. Corbin, Corbin on Contracts, One Vol. ed, U. S. A. , West Publishing Co, p. 797.

۲. Rule of Presumptive Interpretation

۳. A. L. Corbin, *op. cit.* , p. 856-7.

۴. منظور از قرارداد در حال اجرا (Executory Contract)، قراردادی است که بطور کامل به مرحله اجرا در نیامده است.

تعهدات تلقی شده و قبول چنین انتقالی از ناحیه انتقال گیرنده، به معنی کسب حقوق قراردادی از ناحیه او و همچنین تقبل اجرای تعهدات ناقل در نظر گرفته شده است.^۱ عده‌ای^۲ در استفاده از واژه‌های مربوطه سخت‌گیری بیشتری نشان داده و معتقدند که برای واگذاری حقوق بایستی از واژه Assignment و واگذاری تعهدات از واژه Delegation بهره جست و چنانچه حقوق و تعهدات بصورت توأم منتقل گردد مناسب‌ترین واژه، Transfer of Contract می‌باشد.

واژه Delegation به معنی نمایندگی، نیابت، وکالت، تفویض مسئولیت و تفویض اختیار به شخص دیگر است^۳ و در اصطلاح حقوقی به معنی اعطای اجازه و اختیار به دیگری برای اجرای آنچه که تفویض گردیده می‌باشد^۴. باید افزود که استفاده از دو واژه Assignment برای انتقال حقوق و Delegation برای واگذاری تعهدات بیانگر این است که اصطلاحات یاد شده دارای شرایط و احکام جداگانه‌ای است که در مباحث آتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۷۱۷ قانون مدنی فرانسه انتقال اجاره از ناحیه مستأجر را به رسمیت شناخته و آن را از اجاره فرعی متمایز دانسته است.^۵

در این کشور انتقال قرارداد تحت عنوان Cession de contrat مورد مطالعه قرار گرفته و حقوقدانان این کشور در خصوص ماهیت و امکان انتقال واقعی قرارداد، اختلاف نظر دارند، زیرا انتقال قرارداد متضمن انتقال دین است و انتقال دین هم در حقوق فرانسه به رسمیت شناخته نشده است.^۶

۱. Paul R. Conway, outline of the Law of Contracts, 2d ed, U. S. A. , Harmon Pub, 1939, p. 137.

۲. Randy E. Barnett, Contracts, Cases & Doctrine, 2d ed, New York, Aspen Law & Business, 1999, p. 549 et. seq.

۳. جواد بنی یعقوب، پیشین، ص ۶۶۴.

۴. *Ibid*

۵. G. Goubeaux & P. bihr & X. Henry, Megacode, code civil, 3e ed, Paris, Dalloz, 1999, p. 1490; Marcel Planiol & George Ripert, Treatise on the Civil Law, Vol 2, Part 2, translated by the Louisiana State Law Institute, U. S. A. , 11th ed, 1939, p. 65.

۶. J. Mestre & E. Putman & M. Billiau, Traité de droit civil, Paris, L. G. D. J. , 1996, p. 335-6.

موضوع انتقال عقد اجاره تحت عنوان Assignment of Lease در قانون مدنی ایالت کبک کانادا در مواد ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۶ بیان شده و از اجاره فرعی sublease متمایز شده است. با انتقال اجاره، مستأجرِ جانشین، تعهدات عقد اجاره را عهده‌دار می‌شود و مستأجر اول بری‌الذمه می‌گردد مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق نموده باشند^۱. در حقوق هلند، برای انتقال عقد اجاره توسط مستأجر به دیگری از واژه Replacement استفاده شده و تصریح گردیده که مستأجر می‌تواند شخص دیگری را در همان وضعیتی قرار دهد که قبلاً خود داشته است^۲.

قانون مدنی ایتالیا، به عنوان نمونه‌ای نادر مواد ۱۴۰۶ تا ۱۴۱۰ را به انتقال ارادی قرارداد تحت عنوان Assignment of Contract اختصاص داده و احکامی در این خصوص مقرر نموده است. به موجب ماده ۱۴۰۶ قانون مدنی این کشور هر طرف قرارداد می‌تواند شخص ثالثی را در رابطه حقوقی ناشی از قرارداد، برای اجرای متقابل تعهدات در صورتی که هنوز اجرا نگردیده جایگزین خود سازد مشروط بر اینکه طرف دیگر قرارداد رضایت دهد^۳. در ماده ۴۲۴ ق.م. پرتغال، همان مفهوم از انتقال قرارداد ارائه شده است^۴.

در قراردادهای بین‌المللی خرید متقابل^۵ که رواج فراوانی در بازرگانی بین‌المللی دارد انتقال قرارداد مورد توجه قرار گرفته است. در قرارداد نمونه خرید متقابل که بوسیله کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا تهیه شده، چنین شرطی پیش‌بینی شده و تصریح گردیده که اثر حقوقی انتقال قرارداد بین‌المللی خرید متقابل این است که تمامی

۱. www.urbino.lexcum.umontreal.ca/ccq/en (26. 5. 2002)

۲. Arthur S. Hartkamp & Marianne M. M. Tillema, *Contract Law in the Netherlands*, 1st ed, Netherlands, Kluwer, 1995, p. 195.

۳. متن ماده ۱۴۰۶ قانون مدنی ایتالیا به این شرح است:

Art, 1406. "Notion. Each party can substitute for himself a third person in the relationships arising from a contract for mutual Counter-Performances, if these have not yet taken place, provided that the other party Consent there to. (see: The talian Civil Code, Translated by M. B. Giovanni & others, U. S. A. , 1969, p. 359. "

۴. <http://Cr3.cea.ucp.pt/leiciv/civil/cr0424.htm>.

۵. International Counterpurchase Contracts

حقوق و تعهدات خریدار متقابل در خصوص بخش واگذار شده، خاتمه یافته و به انتقال گیرنده منتقل می‌شود و اصطلاح Assignment را در این خصوص بکار برده‌اند.^۱

در قراردادهای بین‌المللی بای‌بک^۲ نیز انتقال حقوق و تعهدات قرارداد تحت عنوان Assignment به مفهوم جایگزینی انتقال گیرنده به جای انتقال دهنده می‌باشد و اثر حقوقی آن مانند قراردادهای بین‌المللی خرید متقابل است.^۳

در حقوق کشورهای عربی نیز انتقال قرارداد مورد نظر واقع شده و بدون اشاره به قرارداد خاصی، «احالة العقد»^۴ یا «حوالة العقد»^۵ نامیده شده است.

در انتقال عقد بیمه نیز از اصطلاح «انتقال عقد التأمين» استفاده شده است.

حقوقدانان عرب متعاقب تشریح نظریه نسبیت قرارداد، مواردی را که اثر عقد به اشخاص ثالث تسری می‌یابد به دو دسته کلی تقسیم کرده‌اند که شامل قائم مقام عام^۶ و قائم مقام خاص^۷ می‌باشد.

انتقال عقد اجاره از ناحیه موجر به مفهوم انتقال جمیع حقوق و تعهدات ناشی از آن با فروش عین مستأجره به خریدار در ماده ۵۹۷ قانون تعهدات و عقود لبنان به رسمیت شناخته شده است.^۸

در حقوق مصر و سایر کشورهای عربی انتقال عقد اجاره از ناحیه مستأجر تحت عنوان «التنازل عن الايجار» مورد بحث واقع شده و با اجاره فرعی «الايجار من الباطن»

۱. کمیسیون اقتصادی اروپا، قراردادهای بین‌المللی خرید متقابل، ترجمه حمیدرضا اشرف‌زاده، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۱، ص ۱۵.

۲. International Buy-Back Contracts

۳. کمیسیون اقتصادی اروپا، قراردادهای بین‌المللی بای‌بک، ترجمه حمیدرضا اشرف‌زاده، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۲، ص ۱۸ و ۱۹.

۴. Harith suleiman Faruqi, Farugi's Law Dictionery, English-Arabic, third ed, libraire Du liban, Beirut, 1997, p. 58.

۵. عبدالرزاق احمد السنهوی، الوسيط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۳، داراحیاء التراث العربی، ص ۴۵۴.

۶. الخلف العام

۷. الخلف الخاص

۸. همان، ص ۵۳۴ و ۵۴۰.

متمایز شده است. با انتقال عقد اجاره، حقوق و تعهدات مستأجر به انتقال گیرنده^۱ تسری می‌یابد و ماده ۵۹۳ قانون مدنی مصر که همانند ماده ۵۶۰ قانون مدنی سوریه، ماده ۵۹۲ قانون مدنی لیبی و ماده ۷۷۵ قانون مدنی عراق و بند ۱ و ۵ ماده ۵۸۴ قانون تعهدات و عقود لبنان است^۲، مقرر داشته است که مستأجر حق انتقال اجاره یا اجاره فرعی را نسبت به کل یا بخشی از آنچه اجاره کرده مادامی که برخلاف آن توافق نشده باشد، دارا می‌باشد^۳.

برای انتقال قرارداد پیمانکاری نیز از اصطلاح «التنازل عن المقاوله» استفاده شده است^۴.

آنچه که در خصوص مفهوم انتقال قرارداد در حقوق کشورهای مورد مطالعه ارائه شده است ناظر به جانشینی ارادی، تبعی و یا قهری شخص ثالث به جای طرف قرارداد در حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد می‌باشد که همان معنی قائم مقامی (به معنی جانشینی) در عقد را متبادر به ذهن می‌سازد که با این وصف هر چند «قائم مقامی در عقود» نیز می‌تواند عنوان کتاب را به خود اختصاص دهد لیکن از آن جهت که قائم مقامی به معنی نیابت و نمایندگی (مانند قائم مقامی وکیل یا ولی یا قیم) نیز بکار رفته است^۵، لذا عنوان «انتقال قرارداد»^۶ ترجیح داده شده است.

۱. المتنازل له

۲. متن ماده ۵۹۳ قانون مدنی مصر بقرار ذیل است: «للمستأجر حق التنازل عن الايجار أو ايجار من الباطن، و ذلك عن كل ما استأجره أو بعضه، مالم يقض الاتفاق بغير ذلك.»

۳. عبدالرزاق احمد السنهوري، الوسيط في شرح القانون المدني، ج ۶، مجلد اول، بيروت، داراحياء التراث العربي، ص ۶۶۱ و ۶۶۶.

۴. عبدالرزاق احمد السنهوري، الوسيط، ج ۷، مجلد اول، پیشین، ص ۲۰۶.

۵. مواد ۱۱۸۳ و ۱۲۳۵ ق.م. ولی قهری و قیم را نماینده قانونی محجور خطاب کرده است اما در ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرای قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۸/۲/۱۹، نماینده قانونی موجر یا مستأجر محجور، قائم مقام قانونی نامیده شده است، که در حقیقت معنی نیابت و نمایندگی را در پی دارد. (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۸، ص ۱۸۴).

۶. Assignment of Contract

مبحث دوم- سوابق تاریخی و قانونگذاری انتقال قرارداد

انتقال قرارداد اعم از ارادی، تبعی و قهری، باب مستقلی را در هیچ یک از قوانین و مقررات به خود اختصاص نداده است اما با مذاقه در قوانین مصادیقی از انتقال قرارداد را می‌توان یافت که حتی در مواردی سابقه‌ای بالنسبه طولانی دارد.

انتقال قرارداد در برخی از متون قانونی صریحاً مورد استعمال واقع شده و در موارد دیگری به‌طور ضمنی از مقررات مستفاد می‌شود.

در فقه قائم مقامی وراثت نسبت به عقود لازم سابقه‌ای طولانی دارد مضافاً بر آنکه قرائن و شواهدی از انتقال ارادی عقد نیز در حقوق اسلام مشاهده می‌شود.

در حقوق انگلیس و امریکا نیز سابقه تاریخی موضوع از اهمیت خاصی برخوردار بوده چرا که اساساً کامن‌لا که بخشی از حقوق انگلیس و امریکا را تحت تأثیر خود قرار داده، قبلاً نه تنها انتقال تعهد ناشی از عقد بلکه انتقال حق ناشی از قرارداد را به نحوی که انتقال‌گیرنده به نام خود امکان مطالبه داشته باشد، به رسمیت نمی‌شناخته است.

در این بخش سابقه موضوع در قوانین و مقررات داخلی، حقوق اسلام و حقوق انگلیس و امریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

صفحات اصلی کتاب در فایل موجود نیست
برای ملاحظه متن کامل به کتاب چاپ شده
توسط انتشارات شهر دانش مراجعه فرمایید

فهرست الفبایی مطالب

		آثار انتقال قرارداد	
۱۴۲	ایقاع	۳۵۰	انتقال اقاله
۱۳۵	عقد	۳۵۴	انتقال تعهدات
۱۵۸	مرگ	۴۰۹	انتقال توابع، دفاعیات و تضمینات
	اسناد بین‌المللی	۳۴۰	انتقال حق حبس
۴۴۰	اصول حقوق قراردادهای اروپا	۳۲۶	انتقال حقوق
۴۳۵	اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی	۳۹۷	انتقال دعوی
	اقاله	۳۹۳	انتقال شروط داوری
۳۵۰	انتقال	۳۹۱	انتقال شروط ضمن عقد
	اقسام انتقال قرارداد	۳۲۱	انتقال موقعیت قراردادی
۹۱	انتقال ارادی	۳۴۲	انتقال اختیار فسخ
۹۷	انتقال تبعی		روابط حقوق میان طرف اصلی
۱۱۳	انتقال قهری	۴۲۱	قرارداد، ناقل و منتقل‌الیه
	انتقال اجرائی		اجاره
۱۰۵	سبب انتقال تبعی	۴۴۶	انتقال ارادی از ناحیه مستاجر
	انتقال تعهدات قراردادی	۴۵۴	انتقال تبعی از ناحیه موجر
۳۵۴	قاعده عمومی	۴۶۵	انتقال قهری
۳۶۰	کیفیت		اسباب انتقال قرارداد
۳۵۹	میزان		اقاله
۳۸۵	نحوه انتقال	۱۵۶	انتقال اجباری مالکیت
	انتقال حق	۱۵۸	انفساخ
۳۰۰	مقایسه با انتقال قرارداد	۱۵۷	

		انتقال حقوق قراردادی	
۳۱۱	مقایسه با قرارداد فرعی		حق حبس
۲۹	واژه‌شناسی و مفهوم	۳۴۰	حقوق حال و مؤجل
	بیع	۳۳۴	حقوق عینی و دینی
۴۶۷	انتقال ارادی	۳۳۲	حقوق معلق و منجز
۴۷۰	انتقال تبعی	۳۳۳	حقوق موجود و آتی
۴۶۶	انتقال عقد بیع	۳۳۶	قاعده عمومی
۴۷۱	انتقال قهری	۳۲۶	میزان
۴۶۶	تمیز انتقال بیع از انتقال مبیع	۳۲۸	
	بیمه		انتقال دین
۴۹۶	انتقال عقد	۳۰۷	مقایسه با انتقال قرارداد
	پیمانکاری		انتقال قرارداد
۵۱۵	انتقال عقد	۳۲۱	آثار
۳۱۰	قرارداد فرعی	۸۳	ارتباط با اصل نسبی بودن عقد
	تبدیل تعهد	۱۳۵	اسباب
۲۹۶	حقوق مقایسه	۴۳۵	اسناد بین‌المللی
۲۸۸	مقایسه با انتقال قرارداد	۹۱	اقسام
	تملك قهري	۴۵	سابقه تاریخی و قانونگذاری
۱۰۵	سبب انتقال تبعی	۱۷۹	شرایط
	حق ارتفاق	۶۵	قلمرو
۴۸۹	انتقال عقد موضوع حق	۵۱۵	قواعد انتقال عقود غیرمعین
	حق انتفاع	۴۴۳	قواعد انتقال عقود معین
۴۸۷	انتقال عقد	۱۷۰	مبنای حقوقی
	حق حبس	۱۶۱	مبنای فقهی
۳۴۰	انتقال	۳۰۰	مقایسه با انتقال حق
		۳۰۷	مقایسه با انتقال دین
		۲۹۶	مقایسه با تبدیل تعهد

سابقه تاریخی و قانونگذاری		خیار فسخ
۵۲	حقوق اسلام	۳۴۸
۶۱	حقوق مقایسه	۳۴۶
۴۵	سوابق قانونگذاری	۳۴۳
شرایط اختصاصی انتقال ارادی قرارداد		۳۴۹
۲۰۲	رضایت طرف دیگر عقد	
۱۹۷	شرایط اساسی صحت معاملات	۳۹۷
۲۲۷	شکل انتقال	
۲۲۴	عوض	۳۹۳
شرایط اختصاصی انتقال تبعی قرارداد		
۲۵۱	آگاهی انتقال گیرنده به وجود قرارداد	۲۳۰
۲۴۱	انتقال مالکیت	۲۲۱
۲۴۳	تقدم زمانی قرارداد موضوع انتقال	۲۱۸
۲۵۳	رضایت طرف دیگر	۲۲۶
۲۴۴	وابستگی قرارداد به سال موضوع انتقال	۲۰۳
شرایط اختصاصی انتقال قهری قرارداد		۲۲۵
۲۵۶	توارث قائم مقام	۲۱۲
۲۵۵	لزوم عقد	۲۲۴
۲۵۵	مرگ طرف عقد	۲۰۷
شرایط عمومی انتقال قرارداد		۲۱۶
۱۸۷	عدم اجرای تعهدات متقابل	۲۰۴
۱۸۲	عقد غیرنافذ	
۱۸۶	عقد منحل	۴۱۱
۱۸۸	غیرشخصی بودن تعهدات قراردادی	۴۱۶
۱۷۹	وجود قرارداد معتبر	۴۱۹
		دعوی ناشی از قرارداد
		انتقال
		داوری
		انتقال شرط
		رضایت طرف دیگر عقد
		اثر سکوت
		انتقال تمام یا بخشی از قرارداد
		تاثیر در انتقالات مکرر
		تحصیل اجازه انتقال از دادگاه
		دلایل لزوم
		رجوع
		صریح و ضمنی
		لوازم انتقال عقد
		ماهیت و نقش
		مطلق و مقید
		واژه‌شناسی
		زمان انتقال
		انتقال ارادی
		انتقال تبعی
		انتقال قهری

	قرارداد کار		شرط داوری
۵۱۰	انتقال	۳۹۳	انتقال
	قولنامه		شرط ضمن عقد
۵۱۷	انتقال	۳۹۱	انتقال
	قراردادهای ناپیوسته		قائم مقامی
۱۱۱	امکان انتقال تبعی	۱۰۸	خاص موصی له
	عاریه		طلبکار
۴۹۱	انتقال عقد	۱۲۵	عام موصی له
	عقود معین		مدیر تصفیه
۴۴۳	انتقال	۲۹	مفهوم
	عقود غیر معین		وارث
۵۱۵	انتقال	۷۸	قلمرو انتقال قرارداد
	مفهوم انتقال قرارداد		حقوق مقایسه
۲۹	حقوق ایران	۷۵	عقود تملیکی و عهدی
۳۵	حقوق مقایسه	۶۶	عقود لازم و جایز
	مزارعه		عقود معین و غیر معین
۴۷۱	انتقال ارادی از ناحیه عامل	۷۳	عقود منجز و معلق
۴۷۶	انتقال تبعی از ناحیه مالک	۷۶	قرارداد پیمانکاری
۴۷۶	انتقال قهری	۵۱۵	انتقال
	مساقات		قرارداد حمل و نقل
۴۷۷	انتقال عقد	۵۰۰	انتقال
	مضاربه		قرارداد فرعی
۴۷۸	انتقال عقد	۳۱۰	مفهوم
		۳۱۱	مقایسه با انتقال قرارداد

	موانع انتقال قرارداد	موقعیت قراردادی
۳۲۱	تمیز شرط مباشرت از شرط منع انتقال ۲۶۲	مفهوم
	توافق طرفین ۲۵۷	مبنای فقهی
۱۶۱	حقوق مقایسه ۲۷۵	انتقال عقد
	سوء استفاده از حق ۲۷۹	مبنای حقوقی
۱۷۰	شخصی بودن قرارداد ۲۶۹	انتقال عقد
	شرط مباشرت ۲۵۸	ودیعه
۴۹۵	شرط منع انتقال ۲۶۱	انتقال عقد
	ضمانت اجرا ۲۸۴	وکالت
	قانون ۲۷۴	
۴۸۳	نظم عمومی ۲۸۲	انتقال عقد

فهرست قوانین مورد استناد

۳۸۵-۳۸۴-۳۸۳-۳۸۲-۳۸۱-۳۸۰			الف - قوانین داخلی
۳۹۸-۳۸۳	ماده ۲۳۲		۱- قانون آیین دادرسی دادگاههای
۱۱۵	ماده ۲۳۳		عمومی و انقلاب در امور مدنی (۱۳۷۹)
۱۳۳-۱۲۹-۱۲۸-۱۲۷	ماده ۲۳۵	۳۹۳	ماده ۴۵۴
۱۳۳-۱۲۷	ماده ۲۳۶	۳۹۶-۳۹۵	ماده ۴۸۱
۳۸۳	ماده ۲۴۰		۲- قانون اجرای احکام مدنی
۳۸۷-۱۱۵	ماده ۲۴۸	۱۰۸	ماده ۱۴۳
۳۸۳	ماده ۲۵۵	۱۰۸	ماده ۱۴۴
۱۲۴	ماده ۳۰۱		۳- قانون اساسی
	۷- قانون بودجه (۱۳۶۳)	۱۶۱	اصل ۴
۱۱۲	تبصره ۳۸	۲۷۹	اصل ۴۹
	۸- قانون بودجه (۱۳۶۶)	۱۶۱	اصل ۱۶۷
۱۱۳	تبصره ۲۸		۴- قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤلیت
	۹- قانون بودجه (۱۳۶۷)		مدنی دارندگان وسیله نقلیه زمینی در مقابل
۱۱۳	تبصره ۱۳		شخص ثالث (مصوب ۱۳۸۷)
	۱۰- قانون بیمه (۱۳۱۶)	۴۱۷-۳۸۶-۲۷۲-۲۴۷-۲۴۱-۴۸	ماده ۳
۴۹۶	ماده ۱	۳۵۵-۴۱۸	
۴۹۷	ماده ۶		۵- قانون اعسار (مصوب ۱۳۱۳)
۲۴۷-۱۷۰-۱۵۴-۹۹-۹۷-۴۷	ماده ۱۷	۱۳۳-۱۲۹-۱۲۸-۱۲۷	ماده ۳۶
۳۳۴-۳۲۷-۳۰۷-۲۹۴-۲۹۰-۲۸۹-۲۷۲-۲۵۴		۴۱۶-۴۱۳	ماده ۳۸
۴۹۶-۴۳۰-۴۲۴-۴۱۸-۳۸۳-۳۶۴-۳۶۱-۳۵۶			۶- قانون امور حسبی
		۳۸۳	ماده ۲۲۶
۱۱- قانون بیمه اجباری مسؤلیت مدنی		۳۸۹-۳۸۳	ماده ۲۲۸
دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی		۳۶۷-۳۶۵-۳۶۳-۳۶۲-۳۳۶	ماده ۲۳۱
در مقابل اشخاص ثالث (مصوب ۱۳۴۷)		۳۷۸-۳۷۷-۳۷۶-۳۷۵-۳۶۸	

۲۶۲-۲۳۸-۲۳۰-۲۲۹-۲۲۶-۲۲۳	ماده ۳	۴۹۷-۹۹	
۳۹۲-۳۵۵-۳۲۷-۳۲۴-۲۸۱-۲۸۰		۱۲- قانون تاسیس بیمه مرکزی و بیمه گری	
۵۲۵-۴۵۳-۴۵۱-۴۲۴-۴۱۱-۴۰۹		(۱۳۵۰)	
۳۲۲	ماده ۳۰	۴۹۸-۳۵۵-۳۲۷-۲۰۵-۴۹	ماده ۵۴
۱۷- قانون روابط موجر و مستأجر (۱۳۳۹)		۱۳- قانون تجارت	
۴۸	ماده ۱۸	۵۰۳-۵۰۰	ماده ۳۷۷
۱۸- قانون کار		۵۰۲-۵۰۱	ماده ۳۷۸
۵۱۲-۵۱۱-۵۱۰-۴۲۴-۳۴۵-۱۷۰-۴۷	ماده ۱۲	۴۵۰۳۰۲-۵۰۱	ماده ۳۸۲
۵۱۱	ماده ۲۵	۵۰۴	ماده ۳۸۳
۱۹- قانون مجازات متخلفین در امر حمل و نقل کالا (مصوب ۱۳۶۷)		۵۰۹	ماده ۳۸۶
۵۰۴	ماده ۱	۵۰۳	ماده ۳۹۴
۲۰- قانون مدنی		۳۴	ماده ۳۹۵
۱۳۸-۱۳۷-۱۱۱-۹۶-۷۵-۷۴-۷۳-۲۹	ماده ۱۰	۱۲۸-۱۲۷	ماده ۴۱۸
۲۳۶-۲۳۴-۲۳۲-۲۳۱-۱۹۹-۱۹۷-۱۳۹		۳۸۰-۳۷۹	ماده ۴۲۱
۴۵۴-۴۵۲-۴۱۱-۳۹۶-۳۹۵-۳۱۲-۲۵۵			۱۴- قانون ثبت
۵۱۹-۵۱۸-۵۱۶-۵۱۵-۵۰۲		۵۱۸	ماده ۲۲
۱۵۳	ماده ۳۲	۵۱۸	ماده ۴۶
۴۸۷	ماده ۴۰	۱۵- قانون راجع به اجازه مبادله قرارداد نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن (۱۳۳۳)	
۴۸۷	ماده ۴۱	۴۲۵-۳۵۵-۳۲۴-۲۰۵	ماده ۱۸
۱۱۵	ماده ۴۵	۴۲۵-۳۵۵-۵۰	ماده ۳۹
۲۴۰-۱۷۰-۱۶۱-۱۴۰-۱۰۴-۴۶	ماده ۵۳	۱۶- قانون روابط موجر و مستأجر (مصوب ۱۳۵۶)	
۴۱۷-۲۹۴-۲۵۱-۲۴۳-۲۴۲		۲۱۶-۲۱۴	ماده ۷
۵۳۴-۴۹۱-۴۸۸-۴۷۶-۴۱۸		۲۳۲-۲۳۱	ماده ۱۰
۶۶	ماده ۶۱	۲۶۳-۲۶۲	ماده ۱۴
۲۰۹	ماده ۶۵	۳۹۹	ماده ۱۵
۱۱۵	ماده ۶۹	۲۲۲-۲۱۹-۲۰۵-۱۷۱-۱۷۰-۴۸	ماده ۱۹

۳۹۳	ماده ۲۳۲	۹۸-۸۹	ماده ۹۴
۳۹۴	ماده ۲۳۳	۸۹	ماده ۱۰۰
۱۸۵-۱۸۴-۱۸۳	ماده ۲۴۷	۲۱۵-۴۹۹	ماده ۱۰۱
۲۱۴	ماده ۲۴۸	۴۷-۹۸-۱۰۴-۱۵۳-۲۴۰	ماده ۱۰۲
۱۸۵-۱۸۴	ماده ۲۵۳	۲۴۲-۴۳-۲۴۹۰-۹۱	
۳۶۶-۲۸۱-۱۸۷-۸۲	ماده ۲۶۴	۲۲۴-۴۴۲	ماده ۱۰۴
۳۶۷	ماده ۲۶۶	۹۸-۸۹	ماده ۱۰۵
۳۶۷	ماده ۲۶۷	۹۸-۸۹	ماده ۱۰۶
۳۶۷-۲۵۸	ماده ۲۶۸	۹۸-۸۹	ماده ۱۰۷
۴۱۲	ماده ۲۷۱	۲۷۹	ماده ۱۳۲
۴۱۲	ماده ۲۷۲	۱۳۲-۱۵۳-۳۶۵	ماده ۱۴۰
۳۵۳-۳۵۱-۳۵۰	ماده ۲۸۳	۲۰۹	ماده ۱۸۳
۳۵۱-۳۴۳-۱۴۷	ماده ۲۸۶	۳۹۴	ماده ۱۸۵
۱۵۶	ماده ۲۸۷	۱۹۷-۱۹۸-۲۰۶	ماده ۱۹۰
۳۶۷	ماده ۲۸۹	۱۹۷	ماده ۱۹۱
۳۶۷	ماده ۲۹۰	۱۹۳-۳۲۹-۲۲۲-۳۰۵	ماده ۱۹۶
۳۶۷	ماده ۲۹۱	۱۸۳	ماده ۲۰۹
۳۰۲-۲۹۹-۲۹۸-۲۸۹-۲۸۸-۲۸۷	ماده ۲۹۲	۲۰۲	ماده ۲۱۵
۴۰۶-۴۰۵-۴۰۴-۴۰۳-۴۰۲-۳۰۶		۱۹۹	ماده ۲۱۶
	ماده ۲۹۳	۲۰۱	ماده ۲۱۷
۴۰۶-۴۰۵-۴۰۴-۴۰۳-۴۰۲-۲۹۸-۲۹۲-۲۸۷		۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷	ماده ۲۱۹
۴۴۹-۱۳۹	ماده ۳۳۸	۷۴-۱۷۹	
۱۹۶	ماده ۳۴۴	۱۹۵	ماده ۲۲۰
۲۵۰	ماده ۳۵۶	۱۸۱-۳۶۱	ماده ۲۲۶
۴۹۰-۱۹۶	ماده ۳۵۸	۱۸۱	ماده ۲۳۰
۱۴۵	ماده ۳۶۲	۳۰-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱	ماده ۲۳۱
۱۵۴	ماده ۳۶۳	۱۸۴-۳۲۴-۳۸۶-۳۹۲-۳۹۷-۴۶۷-۸۹	

انتقال قرارداد

۵۴

۵۱۱-۴۷۶-۴۶۶-۴۶۵		۱۵۴	ماده ۳۶۴
۱۵۳-۱۴۰-۱۰۵-۱۰۴-۹۷-۴۷	ماده ۴۹۸	۱۹۶	ماده ۳۷۵
۲۴۰-۱۷۰-۱۶۱-۱۵۷-۱۵۵		۳۰۴	ماده ۳۷۷
۲۸۹-۲۷۷-۲۵۰-۲۴۳-۲۴۲		۳۸۲	ماده ۳۷۹
۳۸۵-۳۵۵-۳۴۸-۳۰۳-۲۹۴		۱۹۶	ماده ۳۸۱
۳۸۳-۳۷۷-۳۷۵	ماده ۵۰۵	۱۹۶	ماده ۳۸۲
۴۷۱	ماده ۵۱۸	۱۵۸	ماده ۳۸۷
۴۷۲	ماده ۵۲۲	۴۴۶	ماده ۴۳۷
۲۵۹-۲۵۸-۱۹۲-۱۱۷-۴۶	ماده ۵۲۹	۳۲۹	ماده ۴۴۱
۵۱۱-۴۷۶-۴۷۵-۲۶۳		۳۸۷-۳۵۱-۳۴۵-۳۴۴-۳۴۳-۲۵۶	ماده ۴۴۵
۱۷۰-۱۳۶-۱۳۵-۹۱-۶۶-۴۶	ماده ۵۴۱	۳۹۳-۳۴۵	ماده ۴۴۶
۲۷۴-۲۳۱-۲۲۱-۲۱۲-۲۰۴		۳۴۵	ماده ۴۴۷
۴۷۱-۳۵۵-۳۱۵-۳۱۴-۳۱۱		۳۴۶	ماده ۴۵۰
۴۷۹-۴۷۷- ۴۷۵-۴۷۳-۴۷۲		۴۵۶-۳۹۳-۱۵۶-۱۵۵-۱۵۴-۱۰۵	ماده ۴۵۴
۴۷۱	ماده ۵۴۲	۱۵۴	ماده ۴۵۵
۲۰۴-۱۷۲-۱۷۰-۱۳۶-۹۱-۴۶	ماده ۵۴۵	۳۳۰	ماده ۴۵۶
۳۱۲-۲۷۴-۲۳۱-۲۲۲-۲۱۲		۱۵۳	ماده ۴۵۹
۴۷۷-۳۵۵		۴۵۳-۵۷	ماده ۴۶۶
۴۷۸	ماده ۵۴۷	۵۷	ماده ۴۶۷
۴۷۸	ماده ۵۵۰	۴۴۶-۳۳۲-۲۶۱-۲۳۱-۱۹۴	ماده ۴۷۴
۴۷۸	ماده ۵۵۱	۳۷۶	ماده ۴۸۳
۲۰۴-۱۷۰-۱۴۱-۱۳۶-۹۱-۶۶-۴۵	ماده ۵۵۴	۳۴۷	ماده ۴۸۷
۴۸۰-۴۷۹-۳۵۵-۲۷۴-۲۳۱-۲۱۲		۴۶۳-۳۷۸-۳۷۶-۳۶۵-۳۳۵	ماده ۴۹۰
۳۱۲	ماده ۵۵۵	۴۶۴	ماده ۴۹۵
۱۲۳	ماده ۵۷۱	۳۷۶	ماده ۴۹۶
۱۲۳	ماده ۵۷۵	۱۹۰-۱۱۹-۱۱۴-۶۶-۵۲-۴۶	ماده ۴۹۷
۲۲۴	ماده ۵۷۷	۳۷۵-۲۶۴-۲۶۳-۲۵۹-۲۵۸-۱۹۱	

۴۵۳	ماده ۷۵۸	۳۸۷	ماده ۶۰۶
۱۶۴	ماده ۷۵۴	۲۱۲	ماده ۶۰۹
۷۲	ماده ۷۶۰	۴۹۵-۳۶۸	ماده ۶۱۱
۲۰۰	ماده ۷۶۶	۲۱۲	ماده ۶۱۷
۲۰۲	ماده ۷۷۰	۱۱۵	ماده ۶۲۲
۷۰	ماده ۷۷۷	۴۹۴-۴۹۳	ماده ۶۳۶
۳۸۲	ماده ۷۸۸	۴۹۱	ماده ۶۳۸
۱۳۹	ماده ۷۹۵	۴۹۲	ماده ۶۴۷
۱۳۹	ماده ۷۹۸	۴۸۴-۳۹۵-۵۳	ماده ۶۵۶
۱۴۸-۱۴۲	ماده ۸۰۸	۵۳	ماده ۶۶۲
۱۵۰-۱۴۶-۱۴۵-۱۴۴-۱۴۳	ماده ۸۱۷	۲۲۴	ماده ۶۷۱
۱۵۲-۱۵۱		۴۸۴-۳۲۵-۲۷۴-۲۱۲-۱۹۵-۱۷۰-۵۳	ماده ۶۷۲
۱۴۴	ماده ۸۱۹	۱۴۱	ماده ۶۷۵
۱۵۲-۱۵۱-۱۴۸	ماده ۸۲۰	۶۸	ماده ۶۷۸
۱۵۹	ماده ۸۲۷	۱۱۱-۶۸	ماده ۶۷۹
۳۳۷	ماده ۸۴۲	۴۸۴	ماده ۶۸۳
۱۲۵	ماده ۸۴۸	۴۲۸-۴۲۳	ماده ۶۸۴
۴۱۹-۲۵۶	ماده ۸۶۷	۴۰۷	ماده ۶۸۵
۴۱۹-۳۸۹	ماده ۸۶۸	۳۳۸-۱۸۱	ماده ۶۹۱
۱۲۱	ماده ۸۶۹	۳۶۳-۳۳۶	ماده ۶۹۲
۱۲۱	ماده ۸۷۰	۲۰۰	ماده ۶۹۴
۲۷۴-۲۵۵-۱۱۴-۶۸-۶۷-۴۶	ماده ۹۵۴	۳۱۰	ماده ۶۹۸
۲۵۴	ماده ۹۵۹	۳۷۵-۳۶۵	ماده ۷۰۵
۲۸۳	ماده ۹۷۵	۴۰۷	ماده ۷۰۷
۲۵۶	ماده ۱۰۱۱	۴۰۷	ماده ۷۱۷
۲۱۲	ماده ۱۰۷۲	۲۰۲-۱۳۸-۱۳۷	ماده ۷۵۲
۱۳۲	ماده ۱۲۰۷	۲۳۶	ماده ۷۵۷

انتقال قرارداد

۵۶

۳۱۶	ماده ۱۲	۱۹۸-۲۴۰	ماده ۱۲۱۲
	۲۳- قانون نفت (مصوب ۱۳۵۳)	۲۴۰	ماده ۱۲۱۴
۴۲۵-۵۱	ماده ۸		۲۱- قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)
۵۱	ماده ۲۱		ماده ۲۱
		۵۱۲	

۲۲- قانون مسؤلیت مدنی

ب- قوانین خارجی

		۱- اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (PICC)	
	ماده ۷-۱-۹	۴۳۶	۷- قانون تجارت یکنواخت امریکا
	ماده ۱۳-۱-۹	۴۳۸	رک: قانون یکنواخت تجارت امریکا
		۸- قانون تعهدات سوئیس	
۴۰۸	ماده ۱۷۸	۴۳۹	
۵۱۴	ماده ۳۳۳	۴۳۶	
		۹- قانون تعهدات و عقود لبنان	
	ماده ۲۲۲	۴۳۹	
۱۲۴	ماده ۲۲۲	۴۳۹	
۴۳	ماده ۵۸۴	۴۳۵	
۱۰۸-۱۰۴-۴۳	ماده ۵۹۷	۴۳۶	
۴۹۳	ماده ۷۴۳	۴۳۶	
		۴۳۷	
		۱۰- قانون داورى هلند	
۳۹۵	ماده ۱۰۵۳	۴۳۸-۴۳۹	
		۴۳۹	
		۱۱- قانون کار فرانسه	
۱۰۲	ماده ۱۲۲-۱۲	۴۴۲	
		۱۲- قانون مدنی آرژانتین	
۴۷۰-۳۲۵	ماده ۱۱۹۷	۴۴۲-۴۴۱	
		۱۳- قانون مدنی آلمان	
	ماده ۱۱۹۷	۲۳۹-۲۳۵	
۳۵۸	ماده ۴۱۴	۱۰۲	
۱۲۸	ماده ۴۱۸		
		۱۴- قانون مدنی ایتالیا	
۴۱۴	ماده ۱۴۰۷		
۲۹۸	ماده ۱۲۳۰	۱۱۹	
۳۲۱-۲۹۸-۲۰۶-۱۸۷-۹۵-۸۲-۴۱	ماده ۱۴۰۶		
۴۵۴-۴۲۸-۳۱۰	ماده ۱۴۰۸	۳۲۵	
		۳- قانون حقوق اموال انگلیس (۱۹۲۵)	
	ماده ۱۳۶		
		۴- قانون آیین دادرسی مدنی آلمان	
	ماده ۱۰۲		
	ماده ۱۰۲۷	۳۹۵	
		۵- قانون تجارت کویت	
	ماده ۱۴۲		
		۶- قانون تجارت ماکائو	
	ماده ۶۷۲		

۲۸۷	ماده ۱۲۸۱	۳۵۸-۳۰-۴۱۰-۴۳۰	ماده ۱۴۰۹
۴۱۵	ماده ۱۶۹۰	۴۱-۱۸۰	ماده ۱۴۱۰
۱۸۰	ماده ۱۶۹۳	۲۳۳	ماده ۱۵۹۴
۴۵۰-۳۰۹-۲۳۲	ماده ۱۷۱۷		۱۵- قانون مدنی پرتغال
۱۰۲	ماده ۱۷۴۳	۴۲-۹۵-۲۰۶-۳۲۲-۴۱۴	ماده ۴۲۴
	۲۱- قانون مدنی کالیفرنیا (امریکا)	۱۸۰	ماده ۴۲۶
۲۴۶	ماده ۱۴۶۰	۲۹۸-۳۵۹-۴۱۰-۴۳۰	ماده ۴۲۷
	۲۲- قانون مدنی کبک (کانادا)	۲۹۸	ماده ۸۵۷
۴۴۸-۴۱	ماده ۱۸۷۰	۳۲۵	ماده ۱۰۵۷
۴۴۸	ماده ۱۸۷۱	۳۲۵	ماده ۱۰۵۹
۴۴۹	ماده ۱۸۷۲		۱۶- قانون مدنی روسیه
۴۵۴-۴۴۹-۴۲۷	ماده ۱۸۷۳	۴۲۸-۴۴۹	ماده ۶۱۵
۴۱	ماده ۱۸۷۶		۱۷- قانون مدنی سودان
۵۰۰-۳۹۲	ماده ۲۴۶۲	۱۱۹	ماده ۱۳۱
	۲۳- قانون مدنی لویزیانا (امریکا)	۱۰۳	ماده ۱۳۲
۹۳۱-۲۷۵	ماده ۱۹۸۴		۱۸- قانون مدنی سوریه
		۱۱۹	ماده ۱۴۶
	۲۴- قانون مدنی لیبی	۱۰۳	ماده ۱۴۷
۱۱۹	ماده ۱۴۵	۵۱۱	ماده ۵۲۹
۴۳	ماده ۵۹۲	۴۳	ماده ۵۶۰
	۲۵- قانون مدنی مصر	۴۷۷	ماده ۵۹۳
۱۱۹	ماده ۱۴۵	۴۹۵	ماده ۶۸۷
۴۱۸-۲۵۳-۲۵۲-۲۴۴-۱۰۳	ماده ۱۴۶		۱۹- قانون مدنی عراق
۴۰۸	ماده ۳۱۸	۱۱۹-۱۵۰	ماده ۱۴۲
۲۳۲-۴۳	ماده ۵۹۳	۴۳	ماده ۷۷۵
۴۲۹	ماده ۵۹۵		۲۰- قانون مدنی فرانسه
۴۱۸-۲۵۳-۲۵۲-۲۴۹-۲۴۴-۲۴۱-۱۰۴	ماده ۶۰۴	۲۹۲	ماده ۱۲۷۱

	قانون یکنواخت تجارت امریکا	۴۷۵	ماده ۶۲۵
۹۴	ماده ۲-۱۰۳	۴۷۷	ماده ۶۲۶
۲۲۳-۲۱۱-۹۴-۳۹-۳۸	ماده ۲-۲۱۰	۴۹۳	ماده ۶۳۹
۲۷۹-۲۷۸-۲۷۷-۲۷۵-۲۶۶		۳۱۷	ماده ۶۶۱
۴۲۷-۳۵۷-۳۰۹-۲۹۷-۲۸۲		۴۷۹	ماده ۷۲۱
۴۶۹-۴۳۲		۱۵۰	ماده ۹۴۵
۴۳۲-۳۵۷-۹۴-۳۹	ماده ۲-۳۰۳		
۹۴	ماده ۲-۴۰۱	۳۲۲	ماده ۶-۱۵۹
۵۰۸	ماده ۷-۵۰۲		

۲۶- قانون مدنی هلند

فهرست منابع

منابع فارسی

الف) کتب

۱. اجتهادی، عباس و سایر قضات، *گزیده آراء دادگاه‌های حقوقی*، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۴
۲. احمدی، نعمت، *آئین دادرسی مدنی*، چاپ سوم، تهران، نشر اطلس، ۱۳۷۷
۳. اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد، *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۵.
۴. اراکی، محمدعلی، *توضیح المسائل*، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱
۵. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت*، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۸
۶. اشمیتوف، کلایوم، *حقوق تجارت بین‌الملل*، ترجمه بهروز اخلاقی و سایرین، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۸
۷. افتخاری، جواد، *حقوق تجارت (۳)*، چاپ اول، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۰
۸. امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، دوره شش جلدی، چاپ ششم، تهران، نشر کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۶
۹. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، *حقوق تعهدات*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸
۱۰. انصاری، ولی‌الله، *کلیات حقوق قراردادهای اداری*، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷
۱۱. بروجردی عبده، محمد، *کلیات حقوق اسلامی*، چاپ اول، تهران، نشر رهام، ۱۳۸۱

۱۲. _____، *حقوق مدنی*، چاپ اول، تهران، نشر علمی، ۱۳۲۹
۱۳. بنی یعقوب، جواد، *فرهنگ واژگان و اصطلاحات حقوقی، اقتصادی و اداری*، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران، نشر نظر، ۱۳۷۹
۱۴. بهرامی احمدی، حمید، *سوءاستفاده از حق*، چاپ اول، تهران، نشر موسسه اطلاعات، ۱۳۶۶
۱۵. تنک، آندره، *حقوق ایالات متحده امریکا*، ترجمه سیدحسین صفایی، چاپ دوم، تهران، نشر موسسه حقوق تطبیقی، ۱۳۵۸
۱۶. جباری، منصور، *حقوق بین‌الملل هوایی*، چاپ اول، تبریز، نشر فروزش، ۱۳۸۱
۱۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ارث*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۶۳
۱۸. _____، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۶۳
۱۹. _____، *حقوق اموال*، چاپ اول، تهران، نشر مشعل، ۱۳۵۶
۲۰. _____، *حقوق تعهدات*، جلد اول، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۶۳
۲۱. _____، *حقوق مدنی (رهن و صلح)*، چاپ اول، تهران، نشر ابن‌سینا، ۱۳۴۹
۲۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر بنیاد راستاد، ۱۳۵۷
۲۳. _____، *دانشنامه حقوقی*، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۲
۲۴. _____، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، دوره پنج جلدی، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۸
۲۵. _____، *مجموعه محشی قانون مدنی*، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۹

۲۶. _____، وصیت، چاپ دوم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۰
۲۷. حائری شاهباغ، سیدعلی، شرح قانون مدنی، جلد اول و دوم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۶
۲۸. حسنی، حسن، حقوق تجارت، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸
۲۹. حسینی تفرشی، مهدی، بدایع الاحکام فی فقه الاسلام، چاپ سنگی، کربلا، ۱۳۲۴
۳۰. خوبی، سیدابوالقاسم، توضیح المسائل، قم، نشر مهر، ۱۴۱۲؛ چاپ هشتم، نشر لطفی، ۱۳۹۰
۳۱. دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور، مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۷۷)، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، نشر اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۸۰
۳۲. راستین، منصور، حقوق بازرگانی، چاپ سوم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۵۳
۳۳. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۵
۳۴. سلجوقی، محمود و امینی، یدالله، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل مدنی، (تا تاریخ ۱۳۵۵/۳/۱۶)، تهران، نشر دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت دادگستری
۳۵. شایگان، سیدعلی، حقوق مدنی، به کوشش محمدرضا بندرچی، چاپ اول، قزوین، نشر طه، ۱۳۷۵
۳۶. شعاریان، ابراهیم و ترابی، ابراهیم، حقوق تعهدات: مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳، نشر شهر دانش.
۳۷. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، نشر دراک، ۱۳۸۴
۳۸. شهری، غلامرضا و حسین‌آبادی، امیر، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری در مسائل مدنی، از سال ۱۳۵۸ به بعد، تهران، روزنامه رسمی
۳۹. شهری، غلامرضا و خرازی، محمد، مجموعه نظرهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوه قضائیه در مسائل مدنی، از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۰، چاپ اول، تهران، نشر روزنامه رسمی، ۱۳۸۰

۴۰. شهیدی، موسی، *موازين قضايي محکمه عالي انتظامي*، چاپ سوم، تهران، چاپخانه علمی، ۱۳۴۰.
۴۱. شهیدی، مهدی، *ارث*، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۴.
۴۲. _____، *تشکيل قراردادها و تعهدات*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷.
۴۳. _____، *حقوق مدنی - اصول قراردادها و تعهدات*، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۳.
۴۴. شهیدی، مهدی، *حقوق مدنی (۳) تعهدات*، چاپ هفتم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۴.
۴۵. _____، *سقوط تعهدات*، چاپ ششم، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۳.
۴۶. _____، *مجموعه مقالات حقوقی*، چاپ دوم، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۸.
۴۷. صالح، علی پاشا، *فرهنگنامه صالح*، زیر نظر دکتر پرویز صانعی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۴۸. صفایی، سیدحسین، *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اشخاص و اموال*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۹.
۴۹. _____، *مفاهيم و ضوابط جديد در حقوق مدنی*، تهران، مرکز تحقیقات، ۱۳۵۵.
۵۰. _____، *مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی*، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵.
۵۱. صفایی، سیدحسین و قاسم‌زاده، سیدمرتضی، *حقوق مدنی، اشخاص و محجورین*، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۵.
۵۲. عبادی، محمدعلی، *حقوق تجارت*، چاپ پنجم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۶۸.
۵۳. عدل، مصطفی، *حقوق مدنی*، به کوشش محمدرضا بندرچی، چاپ اول، قزوین، نشر بحرالعلوم، ۱۳۷۳.

۵۴. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، جلد اول و دوم، چاپ هفتم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹
۵۵. عیسی تفرشی، محمد، *مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸
۵۶. فصیحی‌زاده، علیرضا، *اذن و آثار حقوقی آن*، چاپ اول، تهران، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷
۵۷. قائم مقام فراهانی، محمدحسین، *حقوق تجارت*، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۶۷
۵۸. قمی، میرزا ابوالقاسم، *جامع‌الشتات*، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۱
۵۹. قنوانی، جلیل و وحدتی شبیری، حسن و عبدی‌پور، ابراهیم، *حقوق قراردادها در فقه امامیه*، زیر نظر سیدمصطفی محقق داماد، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۹
۶۰. کاتبی، حسینقلی، *حقوق تجارت*، چاپ پنجم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۰
۶۱. _____، *حقوق مدنی - عقود و تعهدات و الزامات*، چاپ اول، تهران، نشر مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۵۲
۶۲. کاتوزیان، ناصر، *ارث*، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶
۶۳. _____، *اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی*، چاپ سوم، تهران، نشر کانون وکلای دادگستری مرکز، ۱۳۶۸
۶۴. _____، *حقوق مدنی - ایقاع*، چاپ اول، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۰
۶۵. _____، *حقوق مدنی، مشارکتها - صلح - عطایا*، چاپ اول، تهران، نشر اقبال، ۱۳۶۳
۶۶. _____، *دوره مقدماتی حقوق مدنی - اعمال حقوقی*، چاپ اول، تهران، نشر انتشار، ۱۳۷۰
۶۷. _____، *دوره مقدماتی حقوق مدنی - اموال و مالکیت*، چاپ اول، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۴

۶۸. _____، دوره *مقدماتی حقوق مدنی*، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۴۸
۶۹. _____، *عقود معین*، جلد اول، چاپ نهم، تهران، نشر شرکت انتشار، ۱۳۸۴
۷۰. _____، *عقود معین*، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر بهنشر، ۱۳۶۴
۷۱. _____، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد اول و دوم، چاپ ششم، تهران، نشر بهنشر، ۱۳۶۸
۷۲. _____، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد سوم و چهارم و پنجم، چاپ اول، تهران، نشر بهنشر، ۱۳۶۸
۷۳. _____، *مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی*، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
۷۴. _____، *مقدمه علم حقوق*، چاپ سی و یکم، تهران، نشر انتشار، ۱۳۸۱
۷۵. _____، *نظریه عمومی تعهدات*، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳
۷۶. کاشانی، سید محمود، *نظریه تقلب نسبت به قانون*، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۴
۷۷. کامیار، محمدرضا، *گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی*، مجموعه دوم، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵
۷۸. کشاورز، بهمن، *سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت*، چاپ اول، تهران، نشر کیهان، ۱۳۶۹
۷۹. کلانتریان، مرتضی، *داوری*، چاپ اول، تهران، نشر دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۷۴
۸۰. کمیسیون اقتصادی اروپا، *قراردادهای بین‌المللی بای‌بک*، ترجمه حمیدرضا اشرف‌زاده، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۲
۸۱. _____، *قراردادهای بین‌المللی خرید متقابل*، ترجمه حمیدرضا اشرف‌زاده، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۱

۸۲. کیایی، عبدالله، *التزامات بائع و مشتری*، چاپ اول، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۷۶
۸۳. لطفیان، حسین، *قولنامه*، چاپ اول، تهران، نشر شرکت سهامی روزنامه رسمی، ۱۳۷۰
۸۴. متین دفتری، احمد، *آئین دادرسی مدنی و بازرگانی*، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر مجد، ۱۳۷۸
۸۵. محقق داماد، سید مصطفی، *اخذ به شفعه*، چاپ اول، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۶۵
۸۶. _____، *قواعد فقه - بخش مدنی ۲*، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۴
۸۷. _____، *وصیت*، چاپ اول، تهران، نشر اندیشه‌های نو در علوم اسلامی، ۱۳۶۸
۸۸. _____، *قواعد فقه (۳) بخش قضایی*، چاپ اول، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۷
۸۹. محمصانی، صبحی، *النظرية العامة للموجبات والعقود*، ترجمه جمال‌الدین جمالی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر موسوی، ۱۳۳۹
۹۰. محمود صالحی، جانعلی، *فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی*، چاپ اول، تهران، نشر شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی ایران.
۹۱. مدنی، سید جلال، *آیین دادرسی مدنی*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۶۸
۹۲. مسعود، جبران، *فرهنگ الفبایی الرائد (عربی-فارسی)*، ترجمه رضا انزابی نژاد، جلد اول، چاپ اول، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲
۹۳. مشایخی، همایون، *مبانی و اصول حقوقی بیمه*، چاپ اول، تهران، نشر موسسه عالی حسابداری، ۱۳۴۹
۹۴. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، جلد اول و دوم، چاپ چهاردهم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۸

۹۵. منتظری، حسینعلی، *توضیح المسائل*، چاپ شانزدهم، تهران، نشر تفکر، ۱۳۷۷
۹۶. نوبخت، یوسف، *اندیشه‌های قضایی*، چاپ سوم، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۰
۹۷. واحدی، جواد، *قانون تعهدات سوئیس*، ترجمه فارسی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸
۹۸. واحدی، قدرت الله، *آیین دادرسی مدنی*، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷

ب) مقالات

۹۹. آیت اللهی، محمدصادق، *بحثی پیرامون حق توکیل غیر در وکالت*، ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، شماره اول، ۱۳۷۶
۱۰۰. اخلاقی، بهروز، *بحثی پیرامون قراردادهای حمل و نقل از دیدگاه حقوق تجارت*، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۵۹-۱۵۶، ۷۲-۱۳۷۱
۱۰۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *لزوم و جواز در عقود و ایقاعات*، تحولات حقوق خصوصی (مجموعه مقالات)، زیر نظر ناصر کاتوزیان، چاپ دوم، تمدن، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۱
۱۰۲. ره پیک، *اجازة وارث معامله فضولی در قانون مدنی ایران*، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۵، ۶؛ ۱۳۷۶
۱۰۳. عراقی، عزت الله، *تغییر کارفرما و آثار آن در رابطه کارگری و کارفرمایی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۸، ۱۳۷۱
۱۰۴. غمامی، مجید، *آزادی گزینش طرف قرارداد*، مطالعات حقوقی و سیاسی، مجله تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱، ۱۳۷۷
۱۰۵. قضات دادگستری استان تهران، *اندیشه‌های قضایی*، ماهنامه دادگستر، شماره دوم، مرداد و شهریور ۱۳۷۹
۱۰۶. کاتوزیان، ناصر، *ماهیت و آثار قولنامه*، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۵۱-۱۳۶۹، ۱۵۰

۱۰۷. گرجی، ابوالقاسم، *تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق اسلامی*، نشریه موسسه حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، شماره اول، ۱۳۵۵
۱۰۸. گرجی، ابوالقاسم، *مناسبات حقوق و تکلیف از دیدگاه اسلام*، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۸.
۱۰۹. محقق داماد، سیدمصطفی، *تحلیل ماده ۴۵۴ قانون مدنی*، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۷۲
۱۱۰. محقق داماد، سیدمصطفی، *ضمانت در تعهدات*، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۲۲، ۱۳۶۸
۱۱۱. محمدی، ابوالحسن، *ارث خیار، تحولات حقوق خصوصی*، (مجموعه مقالات)، زیر نظر ناصر کاتوزیان، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۱
۱۱۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، *نگرشی جدید بر ضمان عقدی و احکام آن*، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره چهارم، ۱۳۷۱
۱۱۳. نیکبخت، حمیدرضا، *استقلال شرط داوری*، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهیدبهبشتی، شماره ۲۰-۱۹، ۱۳۷۶

ج) پایان نامه‌ها

۱۱۴. احمدی طباطبایی، جواد، *اخذ به شفعه در حقوق مدنی ایران و فقه اسلام*، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴
۱۱۵. صادقی، محمود، *مبانی و آثار حقوقی تعهد به نفع ثالث در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران*، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹

د) نرم افزارها

۱۱۶. علی مکرم، *بانک اطلاعاتی موازین قضائی*، نسخه ۳/۴، ۱۳۷۸
۱۱۷. مرکز المعجم الفقهی، *برنامه نرم‌افزاری*، المعجم، نسخه سوم، ۱۴۲۱

دوم - منابع عربی

۱۱۸. آخوند خراسانی، محمد کاظم، *حاشیه المکاسب*، چاپ اول، تهران، نشر ارشاد، ۱۴۰۶
۱۱۹. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *المقنع*، قم نشر مؤسسه امام هادی، ۱۴۱۵
۱۲۰. ابن براج، عبدالعزیز، *المهذب*، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۶
۱۲۱. ابن حزم، علی بن احمد، *المحلی*، جلد هشتم، بیروت، نشر دارالفکر، بی تا
۱۲۲. ابن حمزه، ابوجعفر بن محمد بن علی، *الوسیله الی نیل الفضیله*، چاپ اول، قم، نشر خیام، ۱۴۰۸
۱۲۳. ابن رشد قوطبی، محمد بن احمد، *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*، جلد دوم، قاهره، نشر استقامه، بی تا
۱۲۴. ابن زهره، حمزه بن علی، *غنیة النزوع*، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۷
۱۲۵. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *المعنی*، جلد ششم، بیروت، نشر دارالکتاب العربی، بی تا
۱۲۶. ابراهیم سغد، نبیل، *النظریة العامة للالتزام فی القانون المصری و القانون البنانی*، جلد دوم، چاپ دوم، بیروت، نشر دارالنهضة العربیه، ۱۹۹۸
۱۲۷. ابو حبیب، سعدی، *القاموس الفقهی*، چاپ دوم، دمشق، نشر دارالفکر، ۱۴۰۸
۱۲۸. الفاروقی، حارث سلیمان، *المعجم القانونی*، (عربی - انگلیسی)، لبنان، ۱۹۹۷
۱۲۹. انصاری، مرتضی، *مکاسب*، جلد سوم، چاپ اول، قم، نشر دهقانی، ۱۳۷۳
۱۳۰. بجنوردی، سید محمد حسن، *القواعد الفقهیه*، جلد هفتم، چاپ اول، قم، نشر هادی، ۱۴۱۹
۱۳۱. بحرانی، شیخ یوسف، *حدائق الناضره*، جلد بیست و بیست و دوم، قم، نشر جامعه مدرسین، بی تا
۱۳۲. جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، جلد دوم، چاپ چهارم، مصر، شرکت فن الطباعه، بی تا
۱۳۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، جلد هشتم، چاپ دوم، قم، نشر مؤسسه آل بیت، ۱۴۱۴

۱۳۴. حصفکی، علاءالدین، *الدر المختار*، جلد هشتم، بیروت، نشر دارالفکر، ۱۴۱۵
۱۳۵. حکیم، سید محسن، *مستمسک العروة*، جلد دوازدهم، نشر مکتب سید مرعشی، ۱۴۰۴
۱۳۶. حلی، ابن ادريس، *السرائر*، جلد دوم و سوم، چاپ دوم، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۰
۱۳۷. حلی، حسن بن یوسف، (علامه حلی)، *مختلف الشیعه*، جلد پنجم و ششم، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲
۱۳۸. _____، *تحریر الاحکام*، جلد اول، ط.ق، مشهد، نشر مؤسسه آل بیت، بی تا
۱۳۹. _____، *تحریر الاحکام*، جلد سوم، ط.ج، قم، نشر مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۰
۱۴۰. _____، *تذکره الفقهاء*، جلد دوم، ط.ق، نشر مکتب رضوی، بی تا
۱۴۱. حلی، نجم الدین ابوالقاسم، *شرايع الاسلام*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر استقلال، ۱۴۰۹
۱۴۲. حلی، یحیی بن سعید، *الجامع للشرايع*، قم، نشر سید الشهداء، ۱۴۰۵
۱۴۳. خویی، سید ابوالقاسم، *مستند العروة الوثقی*، کتاب الاجاره، قم، نشر علمیه، ۱۳۶۵
۱۴۴. _____، *مبانی العروة الوثقی*، کتاب المضاربه، چاپ اول، قم، نشر لطفی، ۱۴۰۸
۱۴۵. سرخسی، شمس الدین، *مبسوط*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶
۱۴۶. سنهوری، عبدالرزاق احمد، *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۸ و ۱۹۶۴، ۱۹۸۶
۱۴۷. سیستانی، سیدعلی، *الفتاوی المیسره*، چاپ سوم، نشر مکتب السماحة آیت الله سیستانی، ۱۴۱۷
۱۴۸. سیوفی، جورج، *النظریه العامه للموجبات و العقود*، جلد اول، بیروت، ۱۹۹۴
۱۴۹. شربینی خطیب، محمد بن، *معنی المحتاج*، جلد دوم، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۸

۱۵۰. طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم، *سؤال و جواب*، به اهتمام سید مصطفی داماد، چاپ اول، تهران، نشر مرکز علوم اسلامی، ۱۳۷۶
۱۵۱. _____، *عروة الوثقی*، (ط.ج)، جلد سیزدهم، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه اسلامی، ۱۴۲۰
۱۵۲. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، *النهایه*، بیروت، افسست منشورات قدس، قم، بی تا
۱۵۳. _____، *المبسوط*، جلد دوم، تهران، نشر مکتب مرتضوی، ۱۳۸۷
۱۵۴. _____، *الخلاف*، جلد سوم، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷
۱۵۵. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، شرح لمعه، جلد چهارم، چاپ اول، قم، نشر داورى، ۱۴۱۰
۱۵۶. _____، *مسالك الافهام*، چاپ سنگی، بی تا
۱۵۷. عاملی، شمس الدین محمد، (شهید اول)، *الدروس*، جلد دوم چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴
۱۵۸. فتح الله، احمد، *معجم الفاظ الفقه الجعفری*، چاپ اول، ۱۴۱۵
۱۵۹. فرج الصده، عبدالمنعم، *نظریة العقد فی قوانین البلاد العربیه*، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۹۷۴
۱۶۰. قمی، علی بن محمد، *جامع الخلاف و الوفاق*، چاپ اول، نشر پاسدار اسلام، ۱۳۷۹
۱۶۱. کاشانی، ابوبکر علاء الدین، *بدائع الصنائع*، جلد چهارم، چاپ اول، پاکستان، نشر مکتب حبیبیه، ۱۴۰۹
۱۶۲. کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد*، جلد هفتم و نهم، چاپ اول، قم، نشر آل بیت، ۱۴۰۸
۱۶۳. مالک، امام، *المدونة الكبرى*، جلد پنجم، مصر، نشر سعادت، بی تا
۱۶۴. مجلس عالی شئون اسلامی، *موسوعة الفقه الاسلامی*، موسوم به موسوعه جمال عبدالناصر، جلد دوم و چهارم و شانزدهم و بیستم، مصر، ۱۴۱۰

۱۶۵. مصری، ابن نجیم، *البحر الرائق*، جلد هفتم، چاپ اول، بیروت، دارالکتب علمیه، ۱۴۱۸
۱۶۶. موسوی اصفهانی، سید ابوالحسن، *وسيلة النجاة*، با تعلیق سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، جلد اول، چاپ دوم، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۷
۱۶۷. موسوی گلپایگانی، محمدرضا، *هدایة العباد*، چاپ اول، قم، نشر دارالقرآن، ۱۴۱۳
۱۶۸. نائینی میرزا حسن، *منیه الطالب*، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸
۱۶۹. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، جلد بیست و پنج و بیست و ششم و بیست و هفتم، چاپ سوم، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۷
۱۷۰. نووی، محی الدین، *المجموع*، جلد سیزدهم و پانزدهم، بیروت، نشر دارافکر، بی تا
۱۷۱. عطری، ممدوح، *القانون المدنی السوری*، دمشق، نشر مؤسسه نوری، ۱۹۹۷

سوم - منابع انگلیسی

172. Alpa. G. & Zeno-Zenocovich. V., *Italian Privete Law*, Routladye Pub, 2007.
173. Ambrose C., *When Can a Third Party Enforce an Arbitration Clause*, The Journal of Business Law, Sweet & Maxwell, September 2001.
174. *American Jurisprudence*, Vol. 6, 13, 17,43,49, 2d ed, U.S.A., the Lawyers Co-operative Pub Co, 1964.
175. American Law Institute, *Restatement of the Law of Contracts*, Vol.1, American Law Institute Pub, 1932.
176. Arthurf. S., Working paper series, Deformalisation of Assignment Law and the position of the Debtor in European, Propertly Law center for the study of European Contract Law Nethe Lands, 2007.
177. <http://SSPN.com/abstract=968654>
178. Atiyah P.S., *An Introduction to the Law of Contract*, 4th ed, London, Clarendon Press, 1989.
179. Barnett R.E., *Contracts, Cases & Doctrine*, 2d ed, Newyork, Aspen Law & Business, 1999.

180. Beatson J., *Anson's Law of Contract*, 27th ed, London, Oxford University Press, 1988.
181. Black H.C., *Black's Law Dictionary*, 5th ed, U.S.A. West Pub Co, 1983.
182. Bradgate R., *Commercial Law*, 2d ed, London Butterworths, 1995.
183. Campbell. D., Remedies for International Sellers of Goods, Vol.1, Iulucom Pub, 2006
184. Cheshire G.C. & Fiffot C.H.S. & Furmston M.P., *Cheshire and Fiffot's Law of Contract*, 8th ed, London, Butterworths, 1972.
185. Conway P.R., *outline of the Law of Contracts*, 2d ed, U.S.A., Harmon Pub, 1939.
186. Corbin A.L., *Corbin on Contracts*, One Vol. ed, U.S.A., West Publishing Co, 1964.
187. Davies, F.R., *Contract*, 3d ed, London, Sweet & Maxwell, 1977.
188. Dessementet F. & Ansay T., *Introduction to Swiss Law*, 2d ed, Netherland, Kluwer Pub, 1997.
189. Dixon, M., *Principles of Land Law*, 4th ed, Cavendish pub, London, 2002.
190. Dobson P., *Charlesworth's Business Law*, 16th ed, London, Sweet & Maxwell, 1997.
191. Farugi's H.S., *Farugi's Law Dictionary*, English-Arabic, 3d ed, Beirut, Libraire Du Liban Pub, 1997.
192. Feldbrugge F.J.M & Others, *Encyclopedia of Soviet Law*, 2d ed, Martinus Pub, 1985.
193. Fransworth E.A. & Mozolin V.P., *Contract Law in the USSR and the United States*, Vol.1, Columbia, International Law Institute, 1987.
194. Frey M.A. & Frey P.H., *Essential of Contract Law*, Canada, West Thomson Learning Pub, 2001.
195. Fuller L.L. & Eisenberg M.A., *Basic Contract Law*, West Pub Co, 1972.
196. Giovanni M.B., & others, *The Italian Civil Code*, an English Translation, U.S.A., 1969.
197. Glass D.A. & Chashmore C., *Introduction to the Law of Carriage of Goods*, London, 1989.

198. Grant B., *Employment Law*, 1st ed, London, Thomson Learning Pub, 2002.
199. Grismore G.C., *Principles of the Law of Contracts*, U.S.A., Bobbs-Merrill Co, 1947.
200. Hailsham L., *Halsbury's Laws of England*, Vol. 9, 4th ed, London, Butterworths, 1974.
201. Hartkamp A.S. & Tillema Marianne M.M., *Contract Law in the Netherlands*, 1st ed, Netherlands, kluwer, 1995.
202. Hopkins K.& Thomas C., *Alligators in Commercial Leases*, Practical Real Estate Lawyer, Vol.16, Mar 2000.
203. James John. S., *Stroud's Judicial Dictionary*, Vol.1, 4th ed, London, Sweet & Maxwell, 1971.
204. Knapp C.L. & Crystal N.M. & Prince H.G., *Problems in Contract Law*, Cases and Materials, 4th ed, U.S.A., Aspen Law & Business, 1999.
205. Kötz H., *International Encyclopedia of Comparative law*, Vol.7, chap. 13, Contract in General, Martinus Nijhoff Pub, 1992.
206. Lando Ole. & Clive Eric. & Prum Andre. & Zimmermann Reinhard, *Principles of European Contract Law*. Part 3, Kluwer pub, 2003.
207. Legh-Jones N.& others, *Mac Gillivray on Insurance Law*, 9th ed, London, Sweet & Maxwell, 1997.
208. Lewis J.R. & Holland J.A., *Landlord and Tenant*, London, Sweet Maxwell, 1968.
209. Lichtenstein E.A. & Real, P.A., *Contract Law Textbook*, Great Britain, HLT Pub, 1994.
210. Mack W.& Kiser D.J., *C.J.S., Corpus Juris Secundum*, Vol. 17,51. A Comparative Restatement of the Entire American Law, U.S.A., the American Law Book Co, 1939.
211. Mac Queen H.& Zimmermann R., *European Contract Law*, Scote and South African Perspective Vol.2, Edinburgh University Pub, 2006.
212. Markesinis S.B.&Others, *The German Law of Contract 2d ed*, Hart Pub, USA & Canada 2006.
213. Marsh S.B. & Soulsby J., *Business Law*, 4th ed, London, McGraw-Hill, 1989.

214. Mitchell B., *Landlord and Tenant Law*, 1st ed, London, BSP Pub, 1987.
215. Murphy E.J. & Speidel R.E., *Studies in Contract Law*, 2d ed, New York, Foundation Press, 1977.
216. Murray John. E, *Cases and Materials on Contracts*, U.S.A., Bobbs Merrill Pub, 1969.
217. Nicholas B., *The French Law of Contract*, 2d ed, London, Clarendon Press Oxford, 1992.
218. Oran D., *Oran's Dictionary of the Law*, 3d ed, Canada, West Publishing, 1999.
219. Owsia Parviz, *Formation of Contract*, London, Graham & Trotman, 1994.
220. Parkington Michael & others, *MacGillivray & Parkington on Insurance Law*, 8th ed, London, Sweet & Maxwell, 1990.
221. Pejovic C., *Documents of Title in Carriage of Goods By Sea*, The Journal of Business Law, Sweet & Maxwell, September 2001.
222. Planiol M. & Ripert G, *Treatise on the Civil Law*, Vol. 2, Part.2, translated by the Louisiana State Law Institute, U.S.A., 11th ed, 1939.
223. Pollock F. & Maitland F.W., *The History of English Law*, Vol.2, 2d ed, Washington, Lawyers Literary Club, 1959.
224. Roberson C., *The Complete Book of Business Forms and Agreements*, Singapore, Mc Graw-Hill Inc, 1994.
225. Rutherford L., & Bone S., *Osborn's Concise Law Dictionary*, 8th ed, London, Sweet & Maxwell, 1993.
226. Smith P.F., *The Law of Landlord and Tenant*, 3d ed, London, Butterworths, 1989.
227. Tettenborn A.M., *An Introduction to the Law of Obligations*, London, Butterworths, 1984.
228. Todd P., *Modern Bills of Lading*, 2d ed, London, Blackwell Law, 1990.
229. Tolhurst. G., *Assignment of Contractual Rights*, Hart Pub, USA and Canada 2006.
230. Tolhurst. G., *The Nature of an Assignment Rights to Damages for Breach of Contract that Occur Prior to Assignment*, *Journal of Contract Law*, Vol. 24, 2008, The university of Sydney, see at:
<http://ssrn.com/abstract=1121242>.

231. Treitel G.H., *An outline of the law of Contract*, 4th ed, London, Butterworths, 1989.
232. Treitel G.H., *Law of contract*, 9th ed, London, Sweet & Maxwell, 1997.
233. Twomey D.P., *Labor & Employment Law*, 11th ed, U.S.A., West Pub, 2001.
234. Vassan R.S., *Latin Words and Phrases for Lawyers*, 1st ed, Canada, Law and Business Pub, 1980.
235. Zweigert K.& kötz H., *Introduction to Comparative Law*, Vol.2, 2d ed, London Clarendon Press, 1987.

چهارم - منابع فرانسه

236. Aynes. Laurent, *La cession de contrat*, Paris, economica, 1984.
237. Bénabent. Alain, *Droit civil: les obligations*, 12^e éd, Montchrestien-Domat droit prive, 2010.
238. Fages. Bertrand et Doireau. Sidonie (sous dir.), *Lamy Droit du Contrat*, Collection Lamy Droit Civil, 2002.
239. Goubeaux G. & Bihr P. & Henry X., *Megacode, Code civil*, 3e éd, Paris, Dalloz, 1999.
240. Jeuland. Emmanuel, *cession de contrat*, Rép. civ. Dalloz, Paris, juin 2010.
241. Légier G., *Droit civil, Les obligations*, 17e éd, Paris, dalloz, 2001.
242. Mestre J. & Putman E. & Billiau M., *Traité de droit civil*, Paris, L.G.D.J., 1996.
243. Viney G. & Jourdain P., *Traité de droit civil*, Les conditions de la responsabilité, 2e éd, Paris, L.G.D.J., 1998.

